



درنامه‌ای به رفسنجانی

صدام حسین شرایط ایران را برای صلح پذیرفت

پیرامون جزئیات پیشنهاد صدام حسین به تهران می‌رود. پیشنهاد صدام حسین هملا به معنای پذیرفتن همه شرایط ایران برای صلح است. تاکنون رژیم عراق از پذیرفتن قرارداد الجزایر به عنوان مبنای حل اختلاف ارضی سر باز می‌زد و خروج از خاک ایران را نیز به پس از آزادی اسرا موکول می‌کرد. با پیشنهاد جدید عراق، هملا ادامه مذاکرات صلح بلا موضوع شده است. یک سخنگوی "شورای عالی امنیت ملی" جمهوری

در روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ماه، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق طی نامه‌ای به رفسنجانی رئیس‌جمهور اسلامی ایران اعلام کرد که حاضر است همه نیروهای عراقی را از خاک ایران عقب کشیده، قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای حل اختلاف بر سر شط‌العرب پذیرفته و مبادله نوری اسرا را آغاز کند. نامه صدام حسین به رفسنجانی توسط خبرگزاری عراق انتشار یافت. صدام حسین طی اطلاقیه‌ای که از رادیو تلویزیون بغداد پخش شد، اظهار داشت که پیشنهاد صلح با ایران "با هدف مقابله با دشمنان مسلمین و اعراب" صورت می‌گیرد و "نیروهای عراق را برای صحنه اصلی مبارزه آزادی می‌کند."

صدام حسین در نامه خود به رفسنجانی از جمهوری اسلامی دعوت کرد در مبارزه با نیروهای فربی مستقر در عربستان و در خلیج فارس به عراق بپیوندد. در نخستین واکنش، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد پیشنهاد صدام حسین به برقراری صلح عادلانه و پایدار میان دو کشور و در منطقه کمک می‌کند. وزارت خارجه آمریکا در واکنش نسبت به پدیدار شدن چشم انداز صلح میان ایران و عراق تاکید کرد که این پیشنهاد را باید به کلی از موضوع تجاوز عراق به کویت جدا کرد، و افزود اگر هدف صدام حسین از این پیشنهاد، انحراف توجه جهانی از تجاوز به کویت بوده است، این تلاش موفقیت آمیز نخواهد بود.

پس از انتشار نامه صدام حسین به رفسنجانی، اعلام شد که یک هیات عراقی برای مذاکره

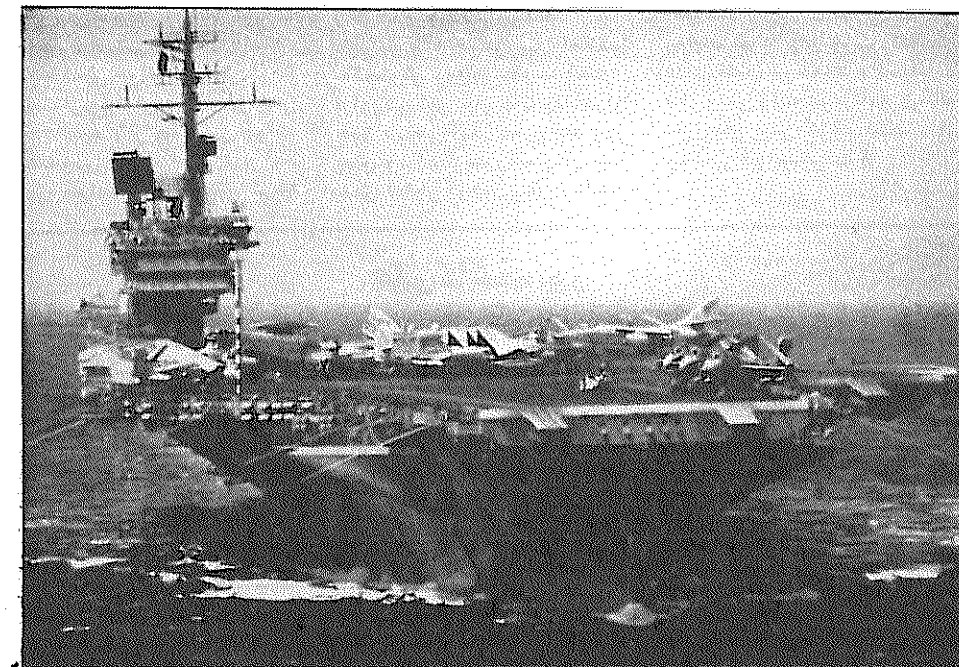
تجاوز ۱۱ مرداد عراق به

کویت، معادلات سیاسی منطقه خاور میانه را بر هم زده است. تنها با گذشت دو هفته از این حمله، تقریباً همه فرض‌ها و گمان‌ها در مورد اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی در این منطقه زیر علامت سؤال قرار گرفته است. خصوصاً ها و دوستی‌هایی که بعضاً سابقه دهها ساله دارند، در معرض تغییرات ناگهانی اند. تا همین دو هفته پیش، چه کسی می‌توانست پیش‌بینی کند که سوریه "رادیکال" و "امپریالیست" در دفاع نظامی از عربستان سعودی، در کنار ایالات متحده قرار خواهد گرفت؟ در تصور چه کسی می‌گنجید که ملک حسین اردنی به تنها متحد عراق در مناقشه ای خطرناک با آمریکا تبدیل شود؟ برخی روزنامه نگاران، بی‌ثباتی و ناپایداری اوضاع کنونی در خاور میانه را به شرایط اروپا پیش از جنگ جهانی دوم تشبیه کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۲

پایان جنگی ده ساله شادباش به مردم ایران

جنگی که ده سال پیش با پاره شدن قرارداد الجزایر توسط صدام حسین آغاز شد و به مدت ۶ سال بر اثر خیره‌سری و جنون



پس از تجاوز نظامی عراق به کویت، آمریکایی‌ها و نظامی‌های عظیمی را در منطقه مستقر کرد. به یک انبار باروت می‌ماند. جهانیان نگران اولین جرعه‌اند.

منطقه اکنون

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

برگزاری نخستین کنگره سازمان

- ۵- بررسی گذشته سازمان و عملکرد رهبری و تصمیم‌گیری پیرامون قطعنامه‌های پیشنهادی
- ۶- بررسی وضع نشریات و رادیوی سازمان و تصمیم‌گیری پیرامون قطعنامه‌های پیشنهادی
- ۷- بررسی گزارش عملکرد مالی سازمان
- ۸- صدور پیامها
- ۹- انتخاب کمیسیون‌هایی برای تهیه اسناد لازم جهت ارایه به کنگره دوم

- ۱۰- انتخاب ارگان رهبری
- ۱۱- تعیین زمان کنگره بعدی

اجلاس پس از بحث و بررسی، خود را نخستین کنگره سازمان نامید. کنگره به دلیل هدم تدارک و آمادگی کافی و کمبود وقت موفق نشد به بخش عمده‌ای از دستور کار پیشنهادی بپردازد. صدور قطعنامه درباره "بررسی اجمالی گذشته و عملکرد رهبری در دهه اخیر"، تعیین هدف سیاسی سازمان در این مرحله و دولت جانشین (شعار استراتژیک) تصویب ۲ بند از تظاهرات مربوط به هویت، تصویب قراری برای برگزاری کنگره دوم، از جمله مواردی بود که کنگره در مورد آنان اتخاذ تصمیم نمود. متن قطعنامه‌ها و قرار به طور جداگانه انتشار خواهد یافت.

کنگره در بخش پایانی خود گروه‌های کار ۱۰ گانه و رهبری جدید را انتخاب نمود. هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق در شورای مرکزی منتخب کنگره شرکت ندارند.

مشروح گزارش کنگره همراه با این اطلاعیه در نشریات سازمان منتشر می‌شود.

شورای مرکزی بزرگترین دستاورد کنگره را حفظ وحدت سازمان و تحکیم همبستگی فدائیان خلق ارزیابی می‌نماید. همبستگی که کنگره در میان ما پدید آورد، می‌تواند نقطه پایانی بر خطاهای گذشته و دسته بندی‌های زیان‌آور باشد و راه‌ما را در جهت انجام وظایف آتی هموار سازد. شورای مرکزی از همه فدائیان خلق، از همه رفقای که در جریان کشمکش‌های درونی گذشته و بدلیل اعتراض به مناسبات غیر دموکراتیک

بقیه در صفحه ۶

نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روزهای ۱۳ تا ۲۳ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ برگزار شد. ۷۸٪ نمایندگان که طبق ضوابط کمیته مرکزی سابق و ستاد برگزاری کنگره حق شرکت در کنگره نخست را داشتند یا بطور مستقیم و یا از طریق سپردن رای و کالتی در جریان کار کنگره مشارکت کردند.

نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با یک دقیقه سکوت به یاد شهدای ۲۰ سال پیکار سازمان و همه شهدای راه آزادی، گشایش یافت. و پس از رسمیت یافتن اجلاس موارد زیر در دستور کار کنگره قرار گرفت.

- ۱- ارزیابی از مقام و موقعیت اجلاس
- ۲- بحث پیرامون سمت‌گیری برنامه‌ای و هویت و تصویب تظاهرات مربوطه
- ۳- تصویب تظاهراتی درباره خطمشی و برنامه سیاسی سازمان
- ۴- تصویب کار پایه موقت تشکیلاتی

علی کاشف‌پور

عضو کمیته مرکزی

حزب

دمکرات کردستان

(رهبری انقلابی)

در ترکیه ترور شد

در صفحه ۲

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

پیرامون آزادی اسرا و نزدیکی صلح

*فدائیان خلق بازگشت اسرا به خاک میهن را به خانواده‌های آنان و به مردم ایران شادباش می‌گویند

اسرای جنگی و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در مورد خاکمیت مشترک و برابر حقوق دو کشور به شط‌العرب نیز اعلام آمادگی کرد. هم اکنون مبادله اسرا و عقب نشینی نیروهای عراقی به پشت مرزهای بین‌المللی آغاز شده است. رژیم صدام حسین در شرایطی تن به عقب نشینی از مواضع پیشین خود داد که جهان در پاسخ به اشغال کشور کویت بوسیله ارتش عراق در اعمال تحریم تسلیحاتی و اقتصادی علیه عراق، حکومت بغداد را در برین بست کامل قرارداد. جمهوری اسلامی نیز با موضع‌گیری محتاطانه در قبال اشغال کویت، در انتظار دریافت پاسخ مساهداز سوی رژیم صدام به سر می‌برد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ضمن قدردانی از تلاشهای

بقیه در صفحه ۲

همراه گشته است. فدائیان خلق خود را در این شادی بزرگ، شریک مردم ایران و خانواده‌هایی می‌دانند که پس از رنج و انتظاری طولانی فرزندان خود را در آغوش می‌کشند. روند برقراری صلح، بدنیال سخنان صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، در هفته گذشته، به مرحله نهائی خود نزدیک شد. رژیم عراق که تا چندی پیش از پذیرش شرایط صلح عادلانه خودداری می‌کرد و با طرح شروط نامعقول مانع اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌شد، هفته گذشته اعلام کرد که سران خود را به طور کامل به پشت مرزهای بین‌المللی عقب می‌کشد و به اشغال مناطقی از خاک ایران که پس از جنگ هم چنان در تصرف خود نگاه داشته بود، پایان می‌دهد، حکومت عراق برای مبادله

پس از سالها رنج و انتظار سرانجام دهها هزار اسیر جنگی به آغوش خانوادگی خود باز می‌گردند و مغرب شوم جنگ می‌رود تا جای خود را به صلحی پایدار بدهد. اعلام آزادی اسرا و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی رژیم عراق، با موجی از خرسندی در میان مردم ایران و جهان

پایان جنگی ده ساله شادباش به مردم ایران

خمینی ادامه یافت، اینک رسماً پایان می‌یابد. صدام حسین دیکتاتور عراق، همان قراردادی را که در مقابل دوربین‌های تلویزیونی پاره کرده، پذیرفته است. آتش‌بس، به صلح تبدیل می‌شود و دهها هزار اسیر به خانه‌های خود برمی‌گردند. بیش از هزار کیلومتر مربع از خاک کشورمان که در اشغال ارتش عراق بود، تخلیه می‌شود. این تحول، آنقدر مهم است که شرایط بحرانی منطقه و ایجاد کانون یک جنگ دیگر، که باز یک طرف آن صدام حسین است، نباید مانع از آن شود که صلح میان ایران و عراق را به مردم دو کشور و به ویژه هم‌وطنانمان تبریک بگوئیم.

هم رژیم خمینی و هم رژیم صدام حسین در کشتار یک میلیون نفر، ویرانی دهها شهر و صدها روستا، تخریب اقتصاد ایران و عراق، کشتادن پای قدرت‌های خارجی به منطقه و سایر مصیبت‌های ناشی از جنگ ده ساله مقصر و مسئولند. هر چند امروز جمهوری اسلامی می‌کوشد با بهره‌گیری از تجاوز عراق به کویت، مشی جنایت‌کارانه خود را در ادامه جنگ توجیه کند، اما بالاخره

بقیه در صفحه ۲

باز هم نمایش‌های تلویزیونی

دستگیری اعضای جمعیت دفاع از آزادی ادامه دارد

طرف که روحش از اسلحه خبر نداشت وقتی به تنگ آمد گفت: "باز جو در جیب پالتوی بابام" باز جو برافروخته فریاد زد: "فلان، فلان شده مگر مسلسل در جیب پالتو جا می‌گیرد؟" و متهم عاصی گفت "اگر باز هم بزننی، مسلسل که جای خود دارد، تانک هم جا می‌گیرد." و چقدر در این دوازده سال حکومت ترور، ملاها مردم را از پیرو جوان مجبور کردند که رزمنان را در لیفه تنبان جا بدهند؟ و این همه برای چه؟ آدم اگر درمانده نباشد چه لازم است که به هر خس و خاشاکی چنگ بزند؟ کدام حکومت پایداری را سراغ داریم که برای بقای خود

بقیه در صفحه ۶

"مادتیقا در خط آمریکا حرکت می‌کردیم... ما از آمریکا و "سیا" رهنمود دریافت می‌کردیم... افراد جمعیت ما ساواکی، سلطنت طلب و رستائیزی بودند... ماستون پنجم عراق بودیم"

اینها اظهاراتی است که در مکتب اوین، به زور شلاق در دهان آقای فرهاد بهبهانی عضو شورای مرکزی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران فرو کردند تا او آنها را بر صفحه تلویزیون به سوی مردم پرتاب کند.

می‌گویند بینوایی را در کمیته مشترک شاه شلاق می‌زدند که مسلسل را در کجا پنهان کردی؟

درنامه‌ای به رفسنجانی

صدام حسین شرایط ایران را برای صلح پذیرفت

بقیه از صفحه اول

که تاریخ آن، هفدهم مرداد یعنی شش روز پس از اشغال کویت توسط عراق است.

رفسنجانی در نامه خود پیشنهاد هایی جهت برقراری صلح به صدام حسین ارائه کرده که اینک

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون آزادی اسرا و نزدیکی صلح

بقیه از صفحه اول

سازمان ملل متحد و بویژه از زحمات آقای خاویر پرنز کویار برای استقرار صلح پایدار میان دو کشور، نگرانی عمیق خود را نسبت به خطر همدستی دوررژیم در سرکوب خلق کرد و معامله بر سر اپوزیسیون ایرانی و عراقی مستقر در خاک طرف مقابل، ابراز می دارد.

خلق مستمیده کرد در مبارزات خود بارها قربانی معاملات فیرانسانی رژیم های منطقه شده است. در هم شکستن جنبش خلق کرد پس از توافق شاه و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ آخرین نمونه آن است. اینک بار دیگر خطر سازش دو رژیم خونریز ایران و عراق در سرکوب جنبش دیر پای خلق کرد در کشورهای ایران و نیروهای مترقی و انساندوست ایران و جهان را برانگیخته است.

همگی مورد پذیرش صدام حسین قرار گرفته اند. صدام حسین در نامه خود نوشته است که با پذیرش شرایط ایران، دیگر هیچ کاری جز مبادله اسناد مربوط به صلح دائمی، باقی نمی ماند. رئیس جمهور عراق اعلام کرد از

روز جمعه آزادی یکجانبه اسرای ایرانی و عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران آغاز خواهد شد. صلیب سرخ بین المللی کار تدارک مبادله حدود هزار نفر اسرای دو طرف را بلافاصله پس از انتشار نامه صدام حسین آغاز کرد.

نراهم نمایند.

ما از سازمان ملل متحد و مراجع جهانی مدافع حقوق بشر می خواهیم تا با بزل مساعی لازم مانع همدستی دو رژیم در سرکوب خلق مستمیده گردد در کشورهای ایران و عراق شوند.

ما به همراه مردم ایران با حزب دمکرات کردستان ایران و سایر نیروهای سیاسی خلق کرد را تهدید می کند، شمار کثیری از نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در جنگ رژیم بی رحم صدام گرفتار آمده اند و بخشی از نیروهای سیاسی ایرانی دیگر نیز در وضعیت مشابه قرار دارند. از سوی دیگر نیروهای سیاسی خلق کرد عراق و دیگر نیروهای اپوزیسیون رژیم عراق، در معرض خطر اسارت در جنگ رژیم فقها قرار گرفته اند.

ما ضمن ابراز نگرانی عمیق نسبت به خطراتی که بویژه نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را تهدید می کند، از همه مجامع بین المللی استمداد می طلبیم تا تضمین های لازم را جهت جلوگیری از معاملات فیرانسانی دو رژیم بر سر اپوزیسیون ایرانی و عراقی

روابط ایران و عراق و آینده منطقه

بقیه از صفحه اول

پذیرفته است، خرسندیم، مواضعی که صلحی پایدار و عادلانه را تضمین خواهد کرد. آیا حرکت جدید صدام حسین که به معنای اعلام رسمی بیهوده بودن همه قربانی ها و لطمات هشت سال جنگ با ایران است، بدون محاسبات دقیق رژیم عراق در مورد چگونگی مقابله با فشار روز افزون بین المللی صورت گرفته است؟ موضعگیری های اخیر صدام حسین نشان می دهد که او به خوبی قادر به نشان دادن انعطاف ها و اتخاذ سیاستهایی حساب شده است.

صدام حسین در روز یکشنبه ۲۱ مرداد، "ابتکار صلح" خود را در مورد اوضاع منطقه اعلام کرد که بلافاصله از سوی آمریکا و سایر دولتهای غربی رد شد. ابتکار صدام شامل ربط دادن اشغال کویت به اشغال بخشی از خاک سوریه، اردن و مصر توسط اسرائیل و ضرورت حل همه این مسائل در چارچوب یک راه حل جامع برای خاور میانه بود. صدام حسین هنگام طرح این پیشنهاد، به خوبی می دانست که قرب بلافاصله آن را رد خواهد کرد. اما مخاطبین اصلی وی را باید در جای دیگر جستجو کرد: در کشورهای عرب که چهل سال است در برابر تجاوزگری و توسعه طلبی اسرائیل عاجز مانده اند. صدام حسین با ایجاد درگیری با آمریکا، پشتیبان اصلی اسرائیل، اعراب را در تنگنایی سخت قرار داده است. دولت های عربی اگر قاطعانه جانب آمریکا را بگیرند و بر حضور نیرومند و بی سابقه ارتش آمریکا در منطقه صحنه بگذارند، به دائمی

شدن شرایطی کمک کرده اند که احتمالاً اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل را برای مدتی طولانی تثبیت می کند. کیست که نداند اسرائیلی که بدون حضور آمریکا در چند کیلومتری خاک خود، بیش از ۲۵ سال بلندی های جولان، بیت المقدس شرقی، کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را در اشغال خود نگه داشته است، در شرایط حضور دهها هزار سرباز آمریکایی در منطقه، دیگر هرگز وقتی به خواستهای اعراب نخواهد گذاشت. اگر اعراب در پایان دادن به اشغال کویت دلباله رو آمریکا شوند، اشغال مناطق فلسطین توسط اسرائیل را دائمی می کنند. صدام حسین بر این نقطه ضعف دولت های عربی انگشت گذاشته است.

اکنون که در پرتو تحولات اخیر به روند مذاکرات ایران و عراق در ماههای گذشته می نگریم، در می یابیم که نه موضع آشتی جویانه عراق در این مذاکرات تصادفی بوده و نه چرخش هفته گذشته صدام حسین، ناگهانی صورت گرفته است. صدام حسین، نزدیک به چهار ماه پیش نخستین نامه را برای رفسنجانی فرستاد و با پیشنهاد مذاکرات مستقیم دو رئیس جمهور مرحله ای جدید را در مذاکرات به بن بست رسیده دو کشور آغاز کرد. صدام حسین می دانست که برای جمهوری اسلامی، که خود با کوهی از مشکلات پس از جنگ دست و پنجه نرم می کند، راهی به جز استقبال از نرمش جدید عراقی باقی نخواهد ماند. به نوشته روزنامه انگلیسی

تایمز مالی: "در اینجا دو پرسش مطرح می شود: آقای صدام تصور می کند که از توافق با رژیمی که از بدوی کار آمدن آن در انقلاب فوریه ۱۹۷۹، با آن دشمنی ورزیده است، چه چیزی به دست خواهد آورد؟ سؤال دوم که شاید مهمتر باشد، این است: ایرانی ها در برآوردن تمایلات صدام که با پیش خواهند رفت؟ و اگر به عبارت دیگر، هردو سؤال را با هم ترکیب کنیم، آیا آقای صدام در انزوای کنونی خود گمان می کند که می تواند نوعی اتحاد با دشمن سابق خود برای مبارزه با شیطان بزرگ ایجاد کند؟" این روزنامه به احتمال امیدواری صدام به شکسته شدن دیوار محاصره بین المللی با ایجاد رابطه با ایران اشاره می کند و از قول یک کارشناس آمریکایی می نویسد: "عقب نشینی عراق در مقابل ایران بلاذقه، به شرط نبوده است. این کارشناس، معتقد است که صدام حسین فرض را بر باز شدن مرزهای عراق و ایران گذاشته است. اما اگر تسلط عراق بر کویت دائمی شود، مواضع ایران در منطقه خلیج فارس به سود موضع دولت عراق که اینک ساحل غربی خلیج را در اختیار دارد، تضعیف خواهد شد. برای جمهوری اسلامی، که ادعای فیر قابل تحمل تر است: حضور نظامی نیرومند و احتمالاً دراز مدت آمریکا در منطقه، با احیای یک دولت تحت حمایت آمریکا در کویت، و یا قدرتمندتر شدن عراق و دراز مدت شدن تسلط آن بر کویت؟ نکته دیگری که معادلات را باز هم پیچیده تر می کند، نیاز مبرم جمهوری اسلامی به گسترش

بقیه از صفحه اول

روزی خواهد رسید که سران رژیم فقها نیز برای همدستی با خمینی در طولانی کردن جنگ مورد بازخواست قرار گیرند. اینک صدام حسین در سکوی متهم ایستاده است و از موضع ضعف، به قرارداد ۱۹۷۵ که سالها آن را رد می کرد، تن می دهد. شاید رفسنجانی و خامنه ای از شادمانی دستان خود را به هم کویند. اما آن ها باید بدانند که محکومیت امروز صدام حسین، محکومیت همه دیکتاتورها و جنگ طلب هاست. همانگونه که امروز همه دنیا به یاد جنایات صدام حسین در حمله به ایران و در جنگ شیمیائی علیه مردم کرد افتاده است، روزی خواهد رسید که همه جهانیان، جنایتکاران همواره به سر، حاکمان فعلی ایران را با دست نشان دهند و بگویند همین ها بودند که برای مردم کشورشان سال ها نکبت و سیه روزی، کشتار و ویرانی به ارمغان آوردند. بگذار تا فقها به موفقیت زودگذر امروز خود دل خوش کنند. ما را از این که همزمان با ارباب حکومت جعل و جنایت از تیر و روزی کنونی صدام حسین شادمان شویم، باکی نیست. آری، شادمانی ما امروز از دو بابت است: یکی از اینکه خواست دیرین ما برآورده می شود و صلح میان ایران و عراق، بر پایه قرارداد الجزایر، تنها مبنای ممکن برای حل اختلافات، احیا می گردد، و بدین خاطر که در جلوی چشمان ما، یک رژیم دیکتاتوری، آن هم در همسایگی کشور ما، سند محکومیت خود را آن هم در اوج در ماندگی، صحنه می گذارد. امروز صدام حسین باید پاسخ دهد که با احیای شرایط پیش از شهریور ۵۹، تکلیف یک میلیون تن کشته در این ده ساله چه می شود؟

آری برقراری صلح و بویژه بازگشت اسرا از یک سو و در ماندگی دیکتاتور خون آشام عراق از سوی دیگر، مایه شادمانی ماست. ما این رویدادهای خجسته را به همه مردم شادباش می گوئیم و خود را در شادمانی

روابط با غرب است. برآوردن این نیاز با اتحاد با عراق چور در نخواهد آمد. همین چند روز پیش بود که دولت رفسنجانی بینی کرده است، از چه کسی خواهد گر بینی کرده است، از چه کسی خواهد گرفت بینی کرده است، از چه کسی خواهد گرفت؟ بینی کرده

پایان جنگی ده ساله

شادباش به مردم ایران

عراق زدند که به آوارگی هزاران تن از مردم کرد عراق انجامید. این بار نیز فیر از این نیست. به ویژه باید نگران وضعیت گروه های اپوزیسیون ایرانی در عراق بود. زیرا صدام حسین در تنگنایی قرار گرفته است که سرزدن هر جنایتی را از او ممکن می کند. به راستی اگر جمهوری اسلامی به صدام حسین برای شکستن محاصره بین المللی و هده مساعد بدهد، آیا دیکتاتور عراق حاضر به برآورده کردن همه خواست های رژیم آخوندها در رابطه با اپوزیسیون ایرانی مستقر در این کشور خواهد بود؟ آیا تحویل دادن ایرانیان مخالف به رژیم جمهوری اسلامی، همی است که هرگز از صدام حسین سر نخواهد زد؟

این خطری است که افکار همومی جهان تا به حال توجه چندانی بدان نکرده است. اما از رژیمی مانند رژیم صدام حسین که با جلوگیری از خروج شهروندان خارجی، عملاً هزاران تن را به گروگان گرفته است، چنین جنایتی نیز بعید نیست. از موثرترین حربه ها برای پیشگیری از بندوبست های اینچنینی، بسیج افکار همومی بین المللی و اعمال فشار بر هر دو رژیم، به ویژه رژیم آخوندهاست.

منافع ملی مردم ما ایجاب می کند که حکومت ایران از هرگونه بندوبستی با رژیم صدام حسین به جز توافق های آشکار مربوط به صلح (بازگشت اسرا، تنفیذ قرارداد ۱۹۷۵ و بازگشت نیروها به پشت مرزهای بین المللی) باز داشته شود. مردم ایران به قدر کافی از جنگ مصیبت دیده اند. نباید بار دیگر پای کشور ما به یک بحران منطقه ای کشیده شود. دخالت فعال رژیم فقها به سود طرف دیگر بحران فعلی نیز به سود مردم ما نیست. نباید گذاشت دولت ایران گامی فراتر از پیروی و تعهد نسبت به مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد بردارد.

با آگاهی از آنچه که این نگرانی ها را باعث می شود، مقدم صلح را گرامی می داریم.

خانواده های اسرای ایرانی و عراقی سهمیم می دانیم اما این شادمانی به معنای از یاد بردن نگرانی ها نیست، نگرانی هایی که قبل از هر چیز، از موقعیت انفجاری منطقه نشات می گیرد. صدام حسین همزمان با تن دادن به پایان جنگ ده ساله، آتش بحران دیگری را برافروخته است، یا به عبارت بهتر، جنگ ده ساله را پایان داده است تا برای جنگی دیگر، نیرو آزاد کند. ما نسبت به خطراتی که منطقه را تهدید می کند، بی تفاوت نیستیم. از یک سو صدام حسین با توسعه طلبی خود، منطقه را دچار آشوب کرده است، و از سوی دیگر، آمریکا و نزدیک ترین متحدانش با دعوی ژاندارمی بین المللی، به خود اجازه داده اند که به منطقه ما لشکرکشی کنند. ماجراجوئی آمریکا، جستجوی راه حل نظامی برای مشکلی است که جامعه بین المللی می کوشد با تدابیر هماهنگ مانند تحریم اقتصادی عراق بدان پاسخ دهد. از یک سو این خطر وجود دارد که جمهوری اسلامی طی معامله ای با صدام حسین، به نقض تحریم های سازمان ملل متحد علیه عراق و تضعیف جبهه بین المللی علیه تجاوز صدام حسین به کویت و الحاق این کشور به عراق دست واقتی است که ماشین دیپلماسی مخفی آخوندها، با دستاویز قرار دادن تجاوز عراق به کویت، وارد معاملات و بندوبست هایی شود که یک سر آن تهران و ریاض و سر دیگر آن واشنگتن باشد. از رژیم جمهوری اسلامی، در پیش گرفتن هیچ یک از این دو مشی بعید نیست. حتی ممکن است حکام ماکیاوولیست تهران در آن واحد هر دو سیاست را پیش برند، این، نگرانی اول.

نگرانی دوم، به سرنوشت آن بخش از اپوزیسیون ایران و عراق مربوط می شود که تا به حال از وجود یکی از این دو کشور علیه دیگری استفاده کرده اند. در سال ۱۹۷۵ شاه و رژیم البکر-صدام حسین همزمان با انعقاد قرارداد الجزایر دست به معامله شومی بر سر سرنوشت جنبش ملی کردستان

است، از چه کسی خواهد گرفت؟ نکته دیگری که معادلات را باز هم پیچیده تر می کند، نیاز مبرم جمهوری اسلامی به گسترش روابط با غرب است. برآوردن این نیاز با اتحاد با عراق چور در نمی آید. همین چند روز پیش بود که دولت رفسنجانی عملاً با بی اعتبار کردن مصوبه مجلس

علی کاشف پور

عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (رهبری انقلابی)

در ترکیه ترور شد

وی مسئول منطقه شمال کردستان بود. خانواده علی کاشف پور در ترکیه خود را به دفتر پناهندگان سازمان ملل متحد معرفی کرده بودند و در انتظار انتقال به یک کشور دیگر بسر می بردند. علی کاشف پور برای دیدار خانواده اش به ترکیه آمده بود که توسط تروریستهای جنایتکار ربوده شده و به شهادت رسید.

است. گفته میشود که این صحنه سازی و ترور جنایتکارانه علی کاشف پور توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی انجام گرفته است. علی کاشف پور یکی از پانزده نفر رهبران و کادرهای حزب دموکرات کردستان ایران بود که با انشعاب از این حزب، تشکیل حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) را اعلام داشتند.

در آخرین ساعاتی که نشریه به زیر چاپ میرفت، اطلاع یافتیم که علی کاشف پور در نیمه شب چهارشنبه ۲۴ مرداد در ترکیه ترور شده است. بر اساس اطلاع رسیده سه نفر که دو نفر شان مجلس به او نیغورم پلیس ترکیه بوده اند، علی کاشف پور را از محل سکونت و از کنار خانواده اش ربوده اند. روز پنج شنبه ۲۵ مرداد جسد وی در جاده تونی به آنکارا پیدا شده

گزارش اولین کنگره

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

شورای مرکزی منتخب، نظر به وظایفی که از سوی کنگره بدان محول شد، خود را ملزم دانست که گزارش حاضر را تهیه نموده، منتشر سازد. در تنظیم این گزارش کوشش شده است تا از اظهار نظر و تفسیر

پرهیز شود و گزارش در مخوم اخص کلمه تهیه گردد. شورای مرکزی بر آن است که امکانات مطبوعاتی سازمان را در خدمت بحث و تبادل نظر اعضای سازمان و صاحب نظران ترقی خواه کشور پیرامون

نخستین کنگره سازمان تصامیم و دستاوردهای آن بکار گیرد. شورای مرکزی، فدائیان خلق و همه احزاب، سازمان ها و شخصیت های ملی و مترقی را به اظهار و مشارکت در این بحث فرامی خواند.

و تشکیل کمیسیون هایی برای مواد ۱ تا ۷ دستور کار، مورد تصویب قرار گرفت و کمیسیون های مربوطه تشکیل شدند.

کمیسیون دیگری نیز تشکیل شد تا به مسائل مربوط به خلق ها رسیدگی نماید.

پیش از

آنکه جلسه

پیشنهاد دعوت از

شده پس از

مخالف، کنگره

به علت عدم

دعوت مهمانان از

شود.

در چهارمین

اعضا و مخبرین

در اجلاس اضافه

داد و سپس

سازمان و

تصویب تزهایی

در دستور قرار

عدم وجود گزارش

مرکزی سابق،

گرفت که

سیاسی سابق

داشتند، هر

فعالیت دستگاه

اظهار نظر

به سایر اعضا

مرکزی هم وقت

نظرات خود را

سازمان و

کنند. ۲۵ تن

این زمینه

از اظهار نظر

به اعضای هیات

داده شد تا

شخصی که

نمایندگان

مواردی که

مشخص آنها را

اظهار نظر

بحث پیرامون

و همکاری رهبری

مجددا در دستور

ابتدا کنگره

کمیسیون مربوطه

سند مینا پذیرفت

پیرامون بندهای

شد در دور اول

مربوط به انتقاد

شکوفاسازی

مسائل تشکیلاتی

تصویب گذشت

و سایر مواد

جهت

تصویب

گرفت.

پیش از

نظام نامه اداره

دستور بحث

انجام اصلاحات

گذشت. آنگاه

اعتبار نامه ها

تایید مجموعه

شکایت و اعتراضی

وجود نداشت،

بعنوان

یافت. جلسه

وکالتی در خارج

رابطه با نمایندگان

وجه نتوانستند

محل اقامت خود

تصمیم گرفت که:

۱ - رای وکالتی

کشور تنها در

که:

- وکیل در

باشد.

- هذر موکل

شرکت در جلسه

گزینه فرد

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

به

کارگران و زحمتکشان، تامین صلح، آزادی و هدايت اجتماعی برای مردم و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی و سربلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

۲- آلمان ماسوسالیسم است. سازمان ها برای دستیابی به ارزش های سوسیالیستی مبارزه می کنند.

پس از تصویب تزهایی فوق الذکر کنگره تصمیم گرفت که ادامه بحث و تصمیم گیری پیرامون سمت گیری برنامه ای و هویت را از دستور خارج کند.

در مورد خط مشی و برنامه سیاسی نیز پس از بحث های اولیه که مستقیما در کنگره انجام گرفت، در دور دوم و سوم تزهایی پیشنهادی کمیسیون. به بحث گذاشته شد. کمیسیون مربوطه از طرح مواردی که پیرامون آنها تفاهم و اتفاق نظر وجود داشت خودداری نمود و تنها چند نکته گری و مهم مربوط به خط مشی و برنامه سیاسی را به بحث گذاشت. در این بحث نیز

بخش هایی از سند پیشنهادی مورد بحث قرار گرفت. در این زمینه کنگره توانست هدف سیاسی ما و حکومت جایگزین را به شرح زیر مشخص سازد:

پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی پارلمانی در شکل جمهوری فدراتیو. در بحث پیرامون این فرمول توجه نمایندگان عمدتا بر نقاط اشتراک و افتراق عبارت های "پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی" و "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" و نیز تمایزات و تشابهات "رژیم جمهوری اسلامی" و "رژیم ولایت فقیه" تمرکز یافت. هموم نمایندگان در اظهارات خود تاکید نمودند که شعار "سرنگونی" به دلیل مطلق کردن عنصر قهر نمی تواند سیمای مسالمت جوی سازمان و انزجار ما از خونریزی را منعکس سازد.

علاوه بر موارد فوق پیرامون شعار "انتخابات آزاد" و موضع ما در رابطه با سلطنت و سلطنت طلبان نیز بحث هایی صورت گرفت. در مورد سلطنت بیش از دوسوم نمایندگان از پیشنهادی کمیسیون خط مشی و برنامه سیاسی را مضا کردند. متن تزهایی مربوطه، به شرح زیر است: "مردم میهن ما در انقلاب و به رژیم سلطنتی نه گفتند و آن را سرنگون کردند. سازمان،

تدقیق و تصحیح به کمیسیون هودت داده شد. ادامه بحث پیرامون گذشته سازمان و همکاری رهبری در روزهای هفتم و هشتم کنگره سرانجام به تصویب سندی در ۷ بند انجامید. در روز نهم پس از انتخاب شورای مرکزی و در آخرین دقایق کنگره بند دیگری به عنوان بند هشتم سند از سوی یکی از نمایندگان قرائت گردید که نمایندگان با کف زدن های متحد آن را مورد تایید قرار دادند.

به پیشنهاد کمیسیون و تصویب کنگره، سند مصوب بررسی اجمالی خطاهای رهبری در دهه گذشته "نامیده شد.

در این سند پیرامون سیاست و برنامه "شکوفایی جمهوری اسلامی"، سیاست وحدت با حزب توده ایران، سیاست سازمان در قبال کشورهای متعلق به بلوک موسوم به اردوگاه سوسیالیسم، ساختار تشکیلاتی و مناسبات رهبری با تشکیلات و ضرباتی که در سال ۶۵ بر پیکر تشکیلات سازمان در داخل کشور وارد آمد، با صراحت اظهار نظر شده است. این سند همراه این گزارش انتشار می یابد.

به موازات بحث پیرامون گذشته سازمان و همکاری رهبری، بحث پیرامون دو مورد دیگر از دستور کار کنگره یعنی "سمت گیری بر نامه ای و هویت" و "خط مشی و برنامه سیاسی" نیز جریان یافت. در بحث "سمت گیری بر نامه ای و هویت" ابتدا رفقای که قبلا اسنادی تهیه کرده بودند پس از دفاع از سند پیشنهادی خود به سوالات نمایندگان پاسخ گفتند. در این دور از مباحثات اسناد پیشنهادی تماما یا قسما بوسیله خود تنظیم کنندگان سند و یا سایر نمایندگان مورد مدافعه قرار گرفت.

در دور دوم، بحث حول محورها و فرمول های مشخص که از سوی کمیسیون مربوطه ارائه شده بود تمرکز یافت و پس از سخنان موافق و مخالف و انجام پاره ای اصلاحات در بند ۲ تزهایی پیشنهادی کمیسیون، مواد ۱ و ۲ به شرح زیر از تصویب کنگره گذشت.

۱ - سازمان ما از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در بیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان دموکراسی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به

۴ - عدم وجود اسنادی که به طور سازمان یافته در تشکیلات به بحث گذاشته شده باشد و در نتیجه عدم آمادگی نمایندگان برای اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل اساسی در زمینه برنامه، اساسنامه و نظائر آن، برخی از نمایندگان با استناد به نارسایی های یادشده، ایده "کنگره دائر" را به میان کشیدند و خواستار آن شدند که کنگره در دو اجلاس به فاصله حدودا ۶ ماه از یکدیگر تشکیل شود و از این نظر اجلاس خود را جلسه مقدماتی نخستین کنگره سازمان "یا اجلاس نخست از نخستین کنگره سازمان" تلقی شود و ضمن تصمیم گیری پیرامون مسائل مهم، و وظیفه اصلی جاری بر طرف کردن نواقص مذکور و تدارک اجلاس دوم بداند. سایر سخنرانان ضمن تایید مضامین یادشده با این نتیجه گیری که کنگره "دائر" تلقی گردد مخالفت ورزیدند. آنها بر این نکته تاکید ورزیدند که اجلاس جاری انعکاس حداکثر توان موجود در سازمان در لحظه کنونی است و در شرایط حاضر صالح ترین مرحله ای است که می تواند پیرامون حیات سازمان تصمیم بگیرد. و از این رو نام آن "کنگره نخست سازمان" است. این عده از نمایندگان در همین حال تاکید داشتند که کنگره نارسایی های موجود مارا ملزم می سازد تا از هم اکنون جهت تدارک کنگره دوم تمهیدات لازم را اتخاذ نمایم. جمعی دیگر از نمایندگان بر این عقیده بودند که اجلاس حاضر باید خود را "تجمع صلاحیت دار" بنامد و وظیفه اصلی خود را بر طرف کردن موانع در راه تشکیل کنگره بداند.

به رغم برداشت های متفاوتی که فوقا مطرح گردید، هیچک از سخنرانان صلاحیت اجلاس برای اتخاذ تصمیم در جهت خارج کردن سازمان از جمله در زمینه انتخابات رهبری آتی را مورد تردید قرار ندادند. بحث ها در این زمینه، در نوبتی دیگر و هنگامی که اعتبار نامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان از تصویب گذشت و جلسه رسمیت یافت، ادامه پیدا کرد و در پایان پیرامون مقام و موقعیت اجلاس رای گیری به عمل آمد و با رای اکثریت نمایندگان، اجلاس "نخستین کنگره" سازمان نامیده شد. پیش از رسمیت یافتن اجلاس، نظام نامه اداره جلسات کنگره در دستور بحث قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم از تصویب گذشت. آنگاه مخبر کمیسیون تایید مجموعه اعتبار نامه هایی که شکایت و اعتراضی نسبت به آنها وجود نداشت، کنگره رسمیت بعنوان

یافت. جلسه ابتدا پیرامون رای وکالتی در خارج کشور و تنظیم رابطه با نمایندگان که به دلایل وجه نتوانستند از کشورهای محل اقامت خود خارج شوند تصمیم گرفت که:

۱ - رای وکالتی در خارج از کشور تنها در صورتی نافذ است که:

- وکیل در جلسه حاضر باشد.

- هذر موکل برای عدم شرکت در جلسه موجه باشد.

- گزینه فرد معین به

اجلاس کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی و شهدای سازمان از سوی مسئول کمیسیون تدارک کنگره گشایش یافت. سپس ۵ تن از مسن ترین نمایندگان کنگره به عنوان هیئت رئیسه سنی، در جایگاه قرار گرفتند. رئیس سنی اجلاس پس از خوش آمدگویی به نمایندگان و اظهار امیدواری برای پیروزی کنگره پیشنهاد یکی از نمایندگان را مبنی بر اینکه زنده یاد بیژن جزنی - به عنوان ریاست افتخاری کنگره اعلام گردد، قرائت نمود و نمایندگان با استقبال از این پیشنهاد یاد رفیق جزنی، بنیانگذاران سازمان و همه همزمان شهید را گرامی داشتند.

سپس انتخابات هیئت رئیسه صورت گرفت و با قرار گرفتن منتخبین در جایگاه خود، جلسه وارد دستور شد. پس از بحث های اولیه قرار شد که ابتدا بحث و بررسی گزارش کمیسیون تدارک کنگره در دستور قرار گیرد.

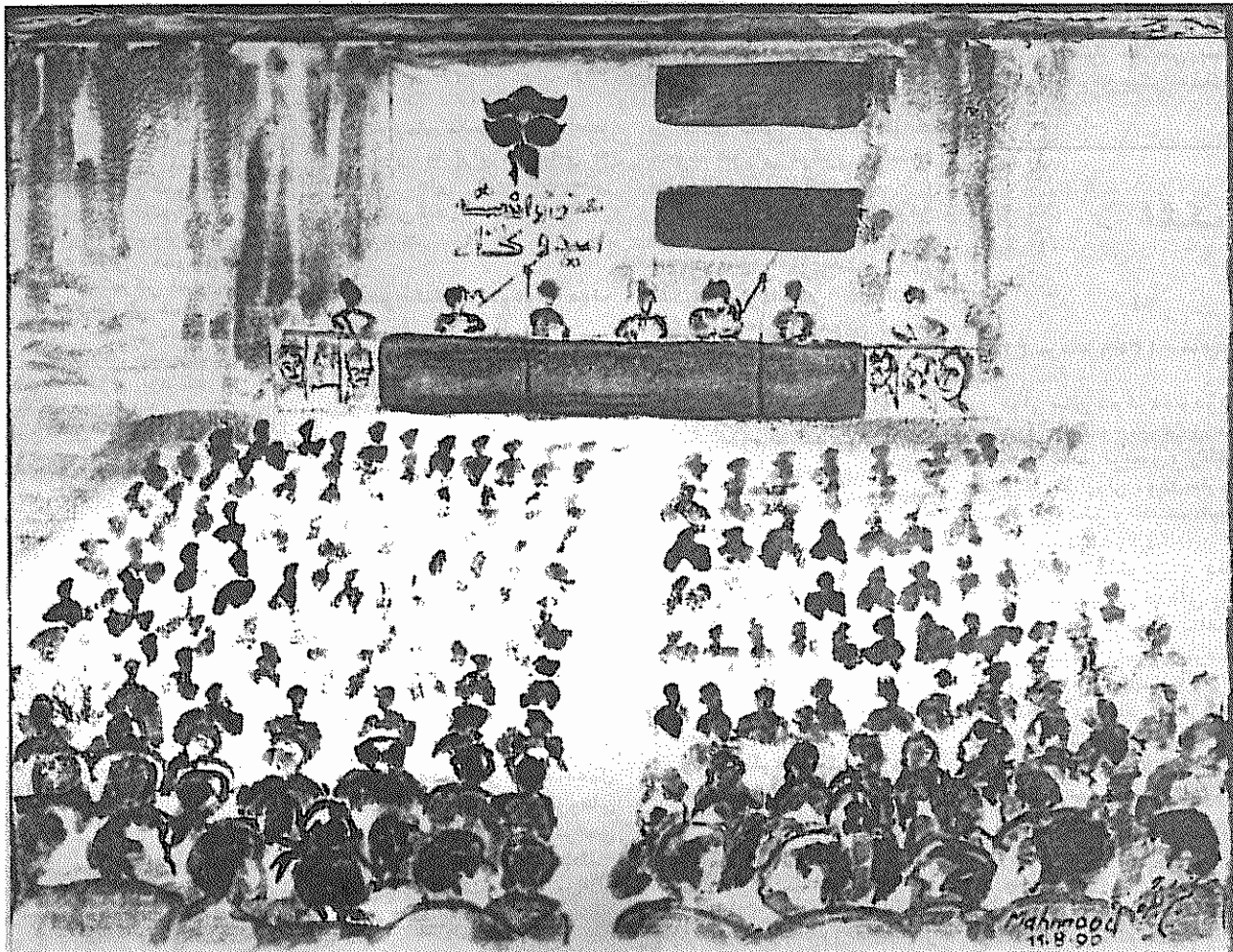
در گزارش کمیسیون مذکور، آمار نمایندگانی که بر اساس ضوابط مختلف از قبیل انتخابات، طرح رده قبل از سال ۶۵، طرح رده بعد از ۶۵ و... به کنگره دعوت شدند، تعداد نمایندگانی که به دلایل مختلف از شرکت در کنگره امتناع کردند، تعداد نمایندگانی که به دلایل موجه نظیر نداشتن مدارک سفر یا ماموریت سازمانی موفق به شرکت در جلسه نشدند، درصد اعضای تشکیلات خارج که از انتخابات و اعزام نماینده خودداری کردند، نتایج اجلاس های پیش کنگره، حال عدم تاثیر گذاری فعالین در داخل کشور بر روند کنگره و تغییراتی که از سوی کمیسیون تدارک در ضوابط مصوب کمیته مرکزی وارد شد، مطرح گردید.

اظهار نظر پیرامون گزارش فوق به بعد از گزینش کمیسیون های اعتبار نامه و آئین نامه موکل، گردید و انتخاب این دو کمیسیون در دستور قرار گرفت. برای تشکیل کمیسیون اعتبار نامه تصویب شد که کمیسیون تدارک کنگره از میان خود ۳ نفر را معرفی نماید و نمایندگان نیز دو تن را برگزینند و کمیسیون اعتبار نامه ها با شرکت ۵ عضو تشکیل شود. این تصمیم به منظور جلوگیری از پخش اطلاعات و تسریع در امر تصویب اعتبار نامه ها اتخاذ شد.

بدنبال گزینش کمیسیون های مذکور، اظهار نظر پیرامون گزارش کمیسیون تدارک کنگره آغاز شد. و بحث های مصلی در این زمینه انجام گرفت. شماری از نمایندگان به کمبودها و نارسایی های مشخصی که در این یا آن هره ص کار کمیسیون تدارک وجود داشت پرداختند، اما هموم سخنرانان با بررسی جهات همومی تر در روند تدارک کنگره، پیرامون "مقام و موقعیت اجلاس جاری در حیات سازمان، اظهار نظر کردند. در این بحث بر موارد ذیل به عنوان ضعف های اساسی اجلاس انگشت نهاده شد:

۱ - فقدان تاثیر قابل قبول از سوی فعالین سازمان در داخل کشور

۲ - امتناع بخش قابل ملاحظه کادرها و اعضای تشکیلات خارج از شرکت در اجلاس به دلایلی با خصلت اعتراضی ۳ - نارسائی ضوابط گزینش نمایندگان



قطعه نامه

«بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر»

۴- کنگره ساختار تشکیلاتی سازمان را که بر پایه تمرکز قدرت در دستگاه رهبری، بی حقوقی کامل اعضا و نیز پرورش روحیه فرمانبری استوار بود، مانع شکوفایی اندیشه ها و بهره گیری از خرد جمعی می گشت، ساختار غیر دموکراتیک می داد. دستگاه رهبری با نقض حقوق اعضا - تاحد نادیده گرفتن اساسنامه مصوبه خویش - موجب تخریب روابط درون سازمان، تشدید منازعات و گسترش بحران، شکل گیری دسته بندی و تخریب روابط سالم در بین فعالین سازمان در تمامی سطوح تشکیلات گردید. کنگره بدینوسیله از رفقای که بدلیل اقدامات غیر مسئولانه رهبران و یا مسئولین، سازمان را ترک کرده اند دعوت می کند که به سازمان خود بازگردند.

۵- کنگره رژیم جمهوری اسلامی را عامل ضربات فاجعه بار سال ۵۶ که موجب دستگیری و شهادت صد ها تن از فدائیان گشت اعلام می دارد. کنگره در همین حال ارزیابی نادرست از اوضاع سیاسی کشور، عوارض سیاست تشکیلاتی مبتنی بر مشی شکوفا سازی جمهوری اسلامی، مشی چپ روانه سیاسی - سازمانی پس از سال ۶۲ را که به سازماندهی نادرست و تعرض تبلیغاتی - تشکیلاتی انجامید از عوامل موثر در وقوع این فاجعه می داند.

کنگره در همین حال خاطر نشان می کند که برای مهار ضرباتی که در شرف وارد آمدن بر پیکر سازمان در داخل کشور بود، امکانات عملی معینی وجود داشت ولی بعزت نارسایی های حاصل از دسته بندی های درون کمیته مرکزی، ارگانهای زیربط از پرداختن به این مهم غفلت ورزیدند و نتوانستند ابعاد فاجعه را در سال ۵۶ و بعد از آن تاحد ممکن تقلیل دهند.

۶- فدائیان خلق راه بسیار سختی را با تمام مسائل و بفرجه های یاد شده طی کرده اند، راهی که دشواریهای آن در اساس بر عهده فدائیان خلق در داخل کشور بوده است.

کنگره از تمامی تلاشمایی که تاکنون در جهت شرايط پرچم مبارزه علیه جمهوری اسلامی را برافراشته داشتند قدر دانی می نماید و نقش والای آنان در بالا بردن اعتبار جنبش فدایی را می ستاید.

کنگره از تمامی تلاشهایی که تاکنون در جهت تداوم پیکار فدائیان در راه سعادت و بهروزی مردم ایران و در جهت طرد انحرافات گذشته و برون رفت از بحران صورت گرفته قاطعانه دفاع می کند.

۷- کنگره کمیسیون راجعت بررسی دقیق تر عملکرد کمیته مرکزی، شعب و یکایک اعضای آن انتخاب می کند. شورای مرکزی منتخب کنگره موظف است کلیه اسناد موجود را در اختیار این کمیسیون قرار دهد. گزارش این کمیسیون به کنگره دوم ارائه خواهد شد.

۸- کنگره از رفقای هیئت سیاسی و کمیته مرکزی که فروتنانه جای خود را به شورای مرکزی منتخب سپردند صمیمانه سپاسگزاری می کند.

۱- کنگره سیاست و برنامه سازمان در راه شکوفایی جمهوری اسلامی را بجهت تقابل آن با دموکراسیسم، پیشرفت و تجدید بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی می کند. این سیاست و برنامه محصول بینشی بود که جهان را بدو جبهه تقسیم می کرد و با توجه به ضد امپریالیسم ارتجاعی رژیم خمینی، که آن زمان این گونه تصور نمی شد، ادامه حیات آبر پسود مردم ایران، بسود یک جبهه و بطور مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی می کرد در تدوین این مشی به منافع و نیازهای عاجل ملت ایران توجه نشد. بی اعتنایی به دموکراسی و عدم شناخت دستگاه روحانیت از جمله عوامل موثر در شکل گیری این سیاست و برنامه بوده اند.

سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی بسود رژیم و بر ضد منافع ملت ایران بود. این مشی ضربات بسیار سختی به اعتبار جنبش فدایی، جنبش دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران بویژه خلق کرد و ترکمن وارد ساخت و موجب اتخاذ سیاستهای ستیزه جویانه و یا خصمانه نسبت بدیگر نیروها و فعالین جنبش گشت.

کنگره این سیاست و برنامه را محکوم می کند و مسئولیت اصلی آنرا متوجه رهبران وقت سازمان می داند.

۲- سیاست وحدت با حزب توده ایران که در روند خود به سیاست اقدام سازمان در حزب منجر می گردید، ناقض استقلال سازمان بود و به اعتبار جنبش فدایی ضربات جدی وارد آورد. این سیاست یکی از عوامل موثر و جدی جدایی بخشی از فعالین جنبش فدایی محسوب می شود.

کنگره کمیته مرکزی سابق را مسئول اصلی خطای بزرگ می شناسد و بر آنست که بخشی از کادرهای موثر سازمان نیز در دوره های معین در تسریع این روند موثر بوده اند.

کنگره گرایشی در رهبری را که تا سالها بعد مصرانه بر صحت سیاست وحدت با حزب توده ایران پافشاری کرد منفی ارزیابی می کند.

۳- کنگره سیاست سازمان در برخورد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای «اردوگاه سوسیالیسم» را نادرست ارزیابی می کند. این سیاست که پس از پذیرش اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی ۵۷، ۶۰، ۶۹ و بر پایه این اسناد اتخاذ شده بود، بر واقعیت انطباق نداشت. تا باوری نسبت بوجود برتری طبیبی در حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، صحنه گذاشتن بی قید و شرط سیاست ها و عملکردهای آنها، تبلیغات غیر واقعی بسود این کشورها و معرفی جامعه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بمثابة تنه امدل سوسیالیسم و جامعه آرمانی به اعتبار سازمان به نفع تئوریک که از منافع ملی مردم ایران پیگرانه دفاع می کند، لطامات جدی وارد ساخت.

اشک آن شب لبخند عشقم بود...

ن - از نمایندگان کنگره



شمارش آرا تمام شد، لحظاتی بعد رفیق فرخ نگهدار قطعه نامه مربوط به هیات رهبری جدید را خواند. وقتی آخرین اسم خوانده شد، همگی بلند شدند و کف زدند. رفیق فرخ مسئولیت جدید را به انتخاب شدگان تبریک گفت. نمایندگان اعضای رهبری جدید را که خودشان انتخاب کرده بودند در آغوش گرفته و تبریک گفتند. لحظاتی بعد سرود آزادی در فضا طنین انداخت:

در محیط طوفان زامهرانه در جنگ است ناخداي استبداد با خدای آزادی، از برای آزادی دستها به نشانه اتحاد بالا ی سرمشت شد. هیچکس هوای خفه و دم کرده سالن را احساس نمی کرد. ناگهان ولوله ای افتاد. چهره ها شکفت، اشک ها سرازیر شد. معلوم نبود می خندند یا می گریزند؟! اعضای رهبری سابق

۲۱ مرداد ۱۳۶۹ - ساعت ۸

شب هوای سالن دم کرده بود و دود سیگار در فضا موج میزد. بر زمینه صحنه، پشت تریبون، رنگهای آشنای پرچم ایران، و گل سازمان همراه با «عشق و اندیشه، امید و کار» دیده میشد. کنگره به آخرین دقایق خود نزدیک میشد. عده ای پشت تریبون آرا مربوط به اعضای رهبری جدید را می شمردند. عده ای سیگار می کشیدند و برخی با کافز خود را باد می زدند، چهره ها ملتهب، عرق کرده و نگران بود. از این کنگره چگونه بیرون خواهیم رفت؟ قوی؟ پرشور؟ یکپارچه و متحد در مبارزه؟ یا...؟ چیزی در فضا موج میزد، نگرانی و امید باهم، نگرانی از مشکلات و موانع، امید به راه گشودن، جلورفتن! بالاخره

هر چه بیشتر آشکار می شد و نمایندگان احساس میکردند که هر اشتباهی در این زمینه ممکن است عوارض جبران ناپذیری به بار آورد.

اکنون نمایندگان انتخاب خود را کرده بودند و نتایج انتخابات روشن شده بود. ولی هنوز بیم و نگرانی وجود داشت و این سوال که «بعد از این چه خواهد شد؟» اما نگرانی نمایندگان دیری نپایید و هنگامی که اعضای هیات سیاسی سابق، خسته از سالها مبارزه درونی و بیرونی در جایگاه هیات رئیسه یکدیگر را در آغوش گرفتند، فضای کنگره به تدریج منقلب شد: اولین قطرات اشک بر گونه ها نشست، نسیم جان نوازی وزیدن گرفت و دمی بعد به آوازی از عواطف انسانی بدل شد و سراسر سالن بزرگ کنگره را در نور دید.

سرو دزدانی به ترم در آمد: آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی

ولحظاتی بعد: ایران ای سرای امید... نمایندگان یکدیگر را در آغوش گرفتند و ساهت ها اشک شوق ریختند. اعضای هیئت سیاسی سابق در میان نمایندگان، تک احساسات شدید نمایندگان، تک پشت تریبون قرار گرفتند. پیام همه یکی بود: ضرورت کار بیشتر، درس آموزی از گذشته و کمک به کسانی که در این شرایط سخت عهده دار مسوولیت شدند...

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

برگزاری کنگره دوم ۱- کنگره آتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود. شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسئول برگزاری کنگره دوم است.

۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفا از طریق انتخابات برگزیده می شوند.

۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.

۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور براساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فراخوانده خواهند شد.

۵- شوراموظف است برای شرکت رفقای که به دلیل مأموریت های حزبی خاص، در تشکیلات سازماندهی نشده اند، ضوابط ویژه ای را تدوین کرده، به اجرا گذارد.

۶- اعضا شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر بگذارد.

۵- انتخاب اعضای گروه های کار از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورقه و طبق فرمول سه پنجم صورت گیرد.

۶- انتخاب شورای مرکزی از میان لیست داوطلبین به شیوه رای گیری با ورقه و طبق فرمول ششدهم انجام شود.

پس از پایان ثبت نام داوطلبین اعلام شد که ۲۲ نفر جهت عضویت در شورای مرکزی سازمان اعلام آمادگی کرده اند. از این عده بجز ۷ نفر بقیه هیچگاه در دستگاه رهبری سازمان فعالیت نداشتند.

کنگره با علم به موارد مذکور تصمیم گرفت که انتخابات شورای مرکزی و گروه های کار را از میان لیست های موجود برگزار کند.

ابتدا انتخابات شورای مرکزی برگزار شد و بلافاصله کارت های رای گیری جهت گزینش گروه های کار توزیع گردید.

پس از شمارش آرا به دعوت هیئت رئیسه، اجلاس نهایی کنگره برگزار گردید. اسامی واجدین بیشترین آرا جهت عضویت در شورای مرکزی قرائت شد. در ترکیب اعلام شده نام هیچ یک از اعضای هیئت سیاسی سابق وجود نداشت. چهار عضو کمیته مرکزی سابق همراه عر تن از کادرهای سازمان به عنوان شورای مرکزی برگزیده شدند.

حدت بحران در رهبری و عوارض آن در تشکیلات سبب شده بود که انتخاب رهبری آینده از همان روز نخست به مشغله ذهنی همه نمایندگان تبدیل شود. وجود نظرات متفاوت و گاه متضاد در زمینه ترکیب رهبری، یافتن راه حل مناسب را دشوار کرده بود. با نزدیک شدن زمان انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

انتخابات دشواری تصمیم گیری

نظام سلطنت را نظامی فیردمکراتیک سازمان در سیاست اتحادها بر همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه با نیروهای جمهوری خواه طرفدار دموکراسی تاکید دارد و اتحاد با سلطنت طلبان را رد می کند.

تدارک کنگره آتی موضوع دیگری بود که در دستور کار کنگره قرار گرفت. در این رابطه قطع نامه ای به شرح زیر تصویب شد.

۱- کنگره آتی سازمان حداکثر تا یک سال دیگر برگزار می شود. شورای مرکزی منتخب کنگره اول مسوول برگزاری کنگره دوم است.

۲- نمایندگان تشکیلات خارج از کشور صرفا از طریق انتخابات برگزیده می شوند.

۳- تعیین حد نصاب بر عهده شورای مرکزی است. شورا موظف است حد نصاب تعیین شده را به اطلاع تشکیلات برساند.

۴- نمایندگان فعالین سازمان در داخل کشور بر اساس ضوابط مصوب شورای مرکزی به کنگره فراخوانده خواهند شد.

۵- شورای مرکزی موظف است برای شرکت رفقای که به دلیل مأموریت های حزبی خاص، در تشکیلات سازماندهی نشده اند، ضوابط ویژه ای را تدوین کرده، به اجرا گذارد.

۶- اعضا شورای مرکزی منتخب کنگره اول، با حق رای در کنگره دوم شرکت می کنند.

۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۸- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۹- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۰- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۱- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۲- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۳- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۴- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۵- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۶- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۸- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۱۹- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۰- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۱- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۲- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۳- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۴- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۵- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۶- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۷- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۸- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۲۹- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

۳۰- شورای مرکزی موظف است ضوابط مطروحه در بندهای ۴ و ۵ این قطع نامه را به اطلاع تشکیلات رسانده، به نظر خواهی بگذارد.

گزارشی درباره ایران

مطلب زیر بخش اجتماعی گزارشی مشروح، از وضعیت ایران را در هر صه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تشکیل می دهد.

در این زمینه میتوان به عرصه فرهنگ و هنر و حقوق اشاره کرد رژیم مبارزه با فرهنگ رایج در زمان شاه را توسط فشار بر جامعه جهت پذیرفتن فرهنگ اسلامی شروع کرد. این فرهنگ که نمونه بارز آن تحمیل حجاب به زنان است همراه خود مشکلات بسیاری به بار آورده که قطعا سالیان سال کار مداوم و تلاش لازم است تا اثرات مخرب و منفی این تحمیلات فرهنگی را از بین برد.

در دومین کنگره پژوهشهای روانپزشکی و روانشناسی در ایران مطرح شد که در حدود ۸۴ درصد از مراجعان بزرگسال به جلسات روان درمانی رازان تشکیل میدهند. این درصد بالا صرفا نشانگر ناراحتی های ناشی از تحمیل حجاب نیست. بار خفت و تحقیری که زن ایرانی در این عصر پیشرفت و تکنولوژی بدوش میکشد، با هیچ دوره حتی آن زمان که سراپا پیچیده در نقاب و چادر در اندرونی زندانی بود، قابل مقایسه نیست. نگاهی به وضعیت اشتغال زنان، تحصیلات و ورزش زنان بباندايد. آنگاه روشن خواهد شد در هر عکس که از زنان و ایالیست پیچیده در روپوش و شلوار و روسری در مطبوعات چاپ میشود، در دفتر چه های کنکور که در مقابل سهمیه دختران برای رشته های فنی، کشاورزی و هنر خط تیره کشیده شده، در جداردن فرزندان یک مادر بهنگام طلاق و دادن مبلغ ناچیزی بعنوان ادای دین و در سنگسار یک زن به جرم زنا چه تحقیر غیر انسانی و خردکننده ای نهفته است. براستی هرگز وحشت زنی را که تاسینه در زمین فرو رفته و باران سنگ به سر و رویش میبارد تصور کرده اید؟ درون این جامعه که نیمی از جمعیت آن زنان، بخش دیگر آن جوانان و بخش دیگرش کودکان تا این حد تحقیر شده و منع شده از هر نوع تفریح و شادی و ورزش و تحصیل و هنر... هستند چه میگردد؟ پارادای از آن چنین است: نجشای رسمی و غیررسمی، هم جنس بازی، اعتیاد، خودکشی، جنایت. سه سال پیش رژیم بامیاهوی فراوان منطقه شهرنو در تهران را با خاک یکسان و اعلام کرد که این محله بدنام که موجب ننگ و رسوائی مملکت اسلامی بود نابود شده است. از جهتی میتوان حق را به رژیم داد: وقتی طبق قانون اسلام یک مرد میتواند ۴ زن هتدی و بی نهایت صیغه، حتی صیغه یک ساخته داشته باشد، دیگر احتیاجی به چنین محلهایی نیست! در خیابان صابمنشعب از خیابان زیبای «بلوار کشاورز» در ساختمان سفید زنبیلی تحت عنوان «بنیاد از دواج» کسانی به همین «موربنیادی» مشغولند! هشت سال جنگ که موجب بی سرپرستی زنان و خانواده های بسیاری شد، قانون ۴ زن برای یک مرد را به راحتی به جامعه قبولاند. اعتراض هیچ محکمه ای به نتیجه نمی رسد.

به دلیل ممنوعیت روابط زادی بین دختر و پسر و کنترل شدید از طرف «امور تربیتی» مدارس و نیز گشت های «امربه معروف و نهی از منکر» که بین مردم به «خواهران زینب» معروفند، انواع و اقسام انحرافات جنسی از جمله هم جنس بازی در کنار اعتیاد، حبشیش و هروئین در مدارس شایع است. معلمین بارنج فراوان از این پدیده های منفی سخن میگویند و این در حالیکه باصطلاح مربیان امور تربیتی سرتاپای شاگردان را برای پیدا کردن نشانی از یک رنگ شاد، یک کتاب، یک نوار موسیقی، میکاوند! مار جنایت، خودکشی و اعتیاد سیر صعودی دارد. ترفندهای اخیر رژیم برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد فقط به انبوه اعدام شدگان انجامید. این برنامه از جانب قشر وسیعی از مردم که از این بلای خانمانسوز به درجه استیصال رسیده اند، استقبال شد. نه فقط می خواهند بر یسمانی بیایز ندتاشاید، پدر، برادر، شوهر و فرزندان از این بلا هستی سوز نجات یابد. بسیاری از مردم معتقدند خود رژیم و کمیته ها در پخش مواد مخدر دست دارند و موادی را که از قاچاقچیان ضبط میکنند خود دوباره به میان مردم بر میگردداند و از این راه سود کلانی به جیب می زنند. این موضوع را مادر یک معتاد هم در یک مصاحبه رادیویی به صراحت بیان کرد.

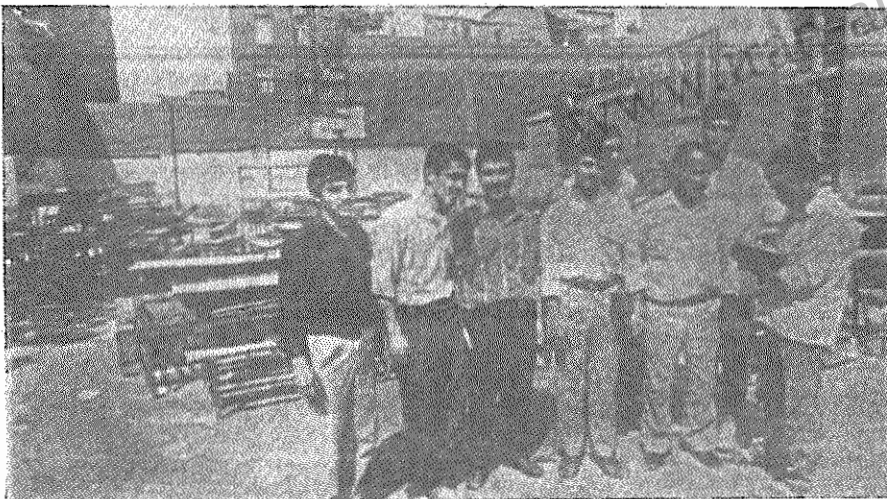
فرزندکشی به دلیل فقر که دومونه آن در روزنامه ها چاپ شد - مردی که دو فرزند خود را خفه کرد و مادری که خود را با فرزندانش در کانال «محله جوانمرد قصاب» انداخت - همسرکشی به دلیل اختلافات مالی و کمبود درآمد، جنایات هستریک مشابه قاتلینی که چندین زن را روده و به

سنتی ایران بدون هیچ رقیبی برای زور آزمایی، یک تاز میدان است اما در شرایطی دیگر حداقل تادوره ای که جامعه بتواند روح و روان طبیعی خود را بیابد، آنکه خواهد برد «مایکل جکسون» است نه «شجریان»! سینه های ایران در هیچ دوره ای تا این حد در جهان مطرح نشده بود. علیرقم تمام تضییقاتی که وزارت ارشاد اسلامی برای فیلمسازان ایجاد میکند، علیرقم تمام محدودیتهای هملی و هزینه های سرسام آور، در چند سال اخیر فیلم های با ارزش و درخور توجه فیلمسازان ایران در نستیوالهای گوناگون یا جوایز متعدد دریافت کرده اند و یا از آنها تقدیر شده است. عباس کیارستمی، امیر نادری، بهرام بیضایی، پوران درخشنده، محسن مخملباف، کیانوش هیاری و مهدی ژکان از آن جمله اند. اینان در شرایطی فیلم میسازند که تیچی سانسور صفحات فیلمنامه ها و حلقه های فیلمشان را تهدید میکند. بعنوان نمونه «مخملباف» در مصاحبه ای توضیح داده است که او برای تهیه صحنه های مربوط به فقر در یکی از فیلمهایش مجبور شده است به پاکستان برود چون به او گفته اند مسئله فقر در ایران حل شده و او اجاه ندارد چنین صحنه هایی را در ایران تهیه کند! (نقل به معنی) و هجا که در «گمرك» و «دروازه قزوین» و «شوش» و «امام حسین» قدم به قدم دهه سوزهای غیرانه وجود دارد! با اینهمه هنر سینما به ثابته از توده ای ترین و موثرترین وسیله ارتباطی در زیر سایه تیچی هانزدگی پر باری را ادامه میدهد.

در هر صه حقوقی، حقوق زنان که نیمی از جامعه اند جای تاکید ویژه دارد. علاوه بر حق اشتغال، حق تحصیل و غیره باید بر حق زن بمثابه زن و مادر تاکید کرد. وقتی در حقوق مدنی و بنیانهای ایدئولوژیک باز در سطحی بسیار نازل تر از مرد بر خورد میشود، حذف بسیاری از حقوق زنان در رژیم اسلامی طبیعی بنظر میرسد. توضیح تمامی اینها مثنوی هفتادمن کافذ است اما نمونه ای بدون شرح آورده میشود تا بنیانی که تمام این تبعیضات بر زمینه آن صورت می گیرد، توضیح داده شود. خمینی در «توضیح المسائل» یکی از «مسائل» را چنین توضیح میدهد: اگر شوهر، دختر شیر خواری را برای خود هتد کرده باشد، زن نباید آن دختر را شیر دهد چون خودش مادر زن شوهرش میشود و بر او حرام است. «ابعاد تبعیضات نسبت به زنان از همان شیر خواری گسترده میشود! شاید این امر در کشورهای متحدن

و پیشرفته باور نکردنی باشد و یا موجب خنده و مزاح شود اما این همان بنیانی است که حدود ۴۵ میلیون انسان را در ایران به بند کشیده است. امروز همین بنیانها روابط بین زن و مرد و خانواده را تعیین میکنند. حق حضانت فرزندان با پدر است و حتی در صورت مرگ پدر، به جد پدری میرسد و نه مادر! حق طلاق با مرد است و حتی موظف نیست به زن اطلاع دهد! حتی در مجازات ضد انسانی و نجیع سنگسار هم بین زن و مرد فرق هست: مرد را تا کمر در زمین فرو میکنند که امکان تلاش برای فرار وجود دارد و زن را تاسینه که هر گونه امکان تلاش از او سلب شود! کلا در مورد تمام جامعه حقوق و اخلاقیات حاکم بر ایران را میتوان فاجعه بار نامید. اصل برائت که یک اصل مهم و شناخته شده در نظام حقوقی دنیا ست در جمهوری اسلامی علیرقم صراحت آن در قانون اساسی، عملا بر عکس است.

یعنی از نظر رژیم همه مردم مجرم اند مگر آنکه عکس آن ثابت شود. فکرش را بکنید هر انسانی در ایران به دلایل گوناگون مثل فرار از سر بازی، فعالیت سیاسی، ساختن آلونگ در منطقه ممنوعه، حجاب، روابط شخصی، مشروبات الکلی، اعتیاد و غیره مجرم است و تحت تعقیب! کدام خانواده ایرانی است که حداقل یکی از موارد فوق را در خود نداشته باشد؟ توضیح فجایی که تحت عنوان مجازات مجرمین صورت می گیرد از حوصله این گزارش خارج است. اسلامی کردن قوانین جزایی در سالیانی که تمام دنیا و بشریت مترقی صدای اعتراض خود را علیه مجازات اعدام بلند کرده است، در ایران اسلامی منجر به قطع انگشت و دست، سنگسار، شلاق و قصاص های نجیع شده است. بر مبنای قوانین جزایی اسلامی در بسیاری موارد محکوم را اول شلاق میزنند و بعد اعدام میکنند! سر میبرند و سر بریده و تنه بدون سر را برای باصطلاح هبرت مردم در شهر میگردانند، طناب دار را از جرثقیل آویزان میکنند و اعدامی را روزها بردار نگاه میدارند چند محکوم را از یک چوبه دار، اعدام میکنند! و هستند انسانهایی که در سنگسار، در انداختن چهارپایه زیر پای اعدامی، در گرداندن سر بریده در شهر شرکت میکنند و چند برابر آنها انسانهایی که از وحشت این فجایع بر خود میلرزند و بر انبوه نفرت از این رژیم قرون وسطایی در دل می افزایند.



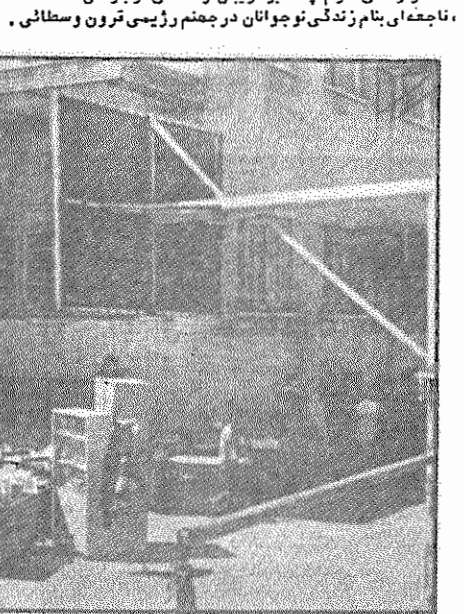
کنجی از حیاط دبیرستان شهدای ۷ تیر (زاکرس) پس از اجرای حکم تخلیه «توه قضائیه مملکت اسلامی» می گویند «۵۰ درصد میز و نیمکت ها، ۳۰ درصد وسائل کمک آموزشی و ۲۰ درصد مدارک و پرونده ها نابود شده است. «اینهمه هیچ است اما، آنگاه که بیاد آریم ۴۰۰۰ نوجوانی را که در پی آمد این حکم تخلیه سر نوشت خود را می بازند، «ما برای دانش آموزان خودمان، حتی جانداریم»، این پاسخ تلخی است که هر کدامان در رجوع به دیگر دبیرستان های شوند،

اینان چه خواهند شد؟ چند سالی می گذرد و آنگاه... کدام اینها را باید در بازارهای سیاه بچوئیم؟ کدام اینها باطنایی برگردن و چهار خیابانی بر سر در خیابان ها گردانده خواهند شد؟

کدامشان در جستجوی فراموشی تلخی ها به سپید گرد سیاه پناه خواهند برد؟ کدام یک در پی لقمه ای نان در کنار میادین شهر ساخته

در انتظار صاحب کاری خواهند نشست؟ کدام یک... آیا هست کسی در میان اینان که آینده ای خوش را در انتظار داشته باشد؟

سر نوشتی شوم چنگ بر گریبان زندگانی نوجوانان انداخته است وطن! سر نوشت این ۴۰۰۰ تن تنها گوشه ای است از فاجعه ای تلخ





خرداد ۱۳۶۹ - ۳
ماتماتیک فونیکس و هنری

به نقل از

مارتین ژاک

ترجمه رضاقیصریه

مصاحبه خیالی

با

مارکس

مارتین ژاک، پژوهشگر مارکسیسم، مجله 'MARXISM TODAY' را در لندن اداره می‌کند که ماهنامه‌ای است سیاسی فرهنگی و در عرض ۱۲ سال تیراژش را پنج برابر کرده است. نمونه‌ای از خصوصیات حرفه‌ای او همین مصاحبه خیالی با مارکس است. ژاک مولف مانیفست ۱۸۴۸ را مورد بازخواست قرار می‌دهد تا بداند واکنش او درباره سال ۱۹۸۹ چیست.

در زدند. جواب دادم، بیا بیاید تو. لحظه‌ای بود که انتظارش را می‌کشیدم. شخصیتی بود کمی کوچکتر از آنچه که انتظارش را داشتم، اما درشت و بغور بود. موها و ریش بلندی داشت که یکدست سفید شده بودند. تعارف کردم بنشینند و تشکر کردم از اینکه وقتش را صرف کرده و برای مصاحبه آمده است. شانه‌اش را بالا انداخت، گنج و ماتزده ضبط صوت را نگاه کرد و منتظر ماند تا شروع کنم.

س - آقای مارکس، شما در آستانه سال ۱۸۴۸ در مانیفست حزب کمونیست نوشتید: "یک شیخ اروپا را دور می‌زنند، شیخ کمونیسم". گویا فعلاً تنها شیخی که اروپا را تهدید می‌کند بیشتر همان شیخ سرمایه‌داری است. شروع می‌کنم به شرح اینکه در سال ۱۹۸۹ چه اتفاقاتی افتاده است که بی‌صبرانه حرقم را قطع می‌کنند و می‌گویند: "می‌دانم، می‌دانم، حوادث را دنبال کرده‌ام. خواب را از چشم‌هایم گرفته است."

نظران درباره سال ۱۹۸۹ چیست. آیا پایان کمونیسم است؟

مارکس: "سال بسیار شگفت‌آور و مهمی بود. از بعضی جهات شبیه سال ۱۸۴۸ است. یک جنبش مردمی سهارشدنی در اینهمه کشور و همزمان با هم. اما احتمالاً این دفعه انقلابها تداوم دارند. انقلابهایی برای دموکراسی هستند. فکر می‌کنم سال ۱۹۸۹ پایان ۱۹۱۷ باشد. پایان دوران انقلاب روسیه است. گمان می‌کنم واقعا اعلام ورشکستگی آن است."

س - از برخورد شما تعجب می‌کنم که بر قسمت زیادی از آنچه که به هر حال به اسم شما صورت گرفته است خط‌بطلان کشیدید. از سالهای آخر دهه ۱۸۶۰ دقیقاً خود شما بودید که به روسیه به عنوان یکی از گاندیدهای احتمالی انقلاب نگاه می‌کردید.

مارکس: "من حتی در مطلبی با انگلس نوشتم که یک انقلاب روسی می‌تواند نشانه حرکت انقلاب پرولتری در غرب باشد. به طوری که این یکی مکمل دیگری باشد و این داشت اتفاق می‌افتاد. تقریباً در خیلی از کشورهای اروپایی در سالهای بعد از جنگ بین‌الملل اول انقلاب شد که مسلماً آلمان آخرین آن نبود. اما انقلابها ادامه پیدا نکرد و روسیه تنها ماند یعنی کشوری با یک پرولتاریای بسیار کوچک که فاقد هرگونه سنت دمکراتیک بود. تنها راه حل برای نظامی شد که وحشتناک مستبد بود و این دقیقاً همانی بود که اتفاق افتاد. سوسیالیسمی را که ما در نظر داشتیم مفهوم مشارکت، خودگردانی و اتکا بر یک اکثریت عظیم بود. اما در واقعیت عکس آن شد. سوسیالیسم به نام مردم بود اما در دست یک اقلیت ناچیز."

س - اما همه اینها به نام شما و با اتکا به نظریه‌های شما صورت گرفت.

مارکس: "مارکسیسم به سنت‌های زیادی تقسیم شد. یکی از آنها سنت روسی بود و در اوایل به نظر می‌آمد که به نحوی راه افتاده است. اما مسئله اینجاست که همین تبدیل شد به "مارکسیسم"، به خط مشی رسمی. تمام مکاتب دیگر مانند مکتب انتر-ناسیونالیسم دوم تکثیر شدند. در نتیجه مارکسیسمی که در غرب پیدا شده بود بدجوری با شرق گره خورد، یعنی با عقب‌ماندگی و با استبداد. سوسیالیسم از دمکراسی جدا شد و این یک فاجعه بود."

س - به هر حال واضح است که شما باید مسئولیت تمام آنچه را که به نام شما انجام شده است قبول کنید: قدیم‌ملم اینکه در دورنمای فکری شما نطفه‌هایی از خودکامی هم وجود داشت.

مارکس: "ما بر قانونهای تاریخ اصرار داشتیم و سوسیالیسم را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستیم. در عین حال به نوعی عدالت خودجوش فکر می‌کردیم و به این نظریه که هدف وسیله را توجیه می‌کند، اما جدا از شما خواهش دارم که من را مسئول آنچه که زیر نظر استالین اتفاق افتاد ندانید."

س - اما آیا روش شما در بحث و در جدل نمونه بدی را برای پیروان شما به وجود نیاورد؟ از ویژگیهای آن نوعی ثابرداری و تعصب بود که خیلی‌ها آن را تقلید کردند از جمله لنین.

مارکس از اشارات زیاد سر و دست برای بیان مطلب کمک می‌کرد و می‌گفت: "فرهنگ دوران من بود مخصوصاً در محافل پنهانندگان در لندن. در هر حال نمی‌توان به خاطر کسانی که هرگز ملاقات نکردام من به تهمت زد."

ندارم که گرایش جامعه در ارتباط با عدم تمرکز چه بوده است. اما تمرکز عظیم سرمایه هم به وجود آمد. کانی است نظری به جوامع بزرگ بیداریم. علاوه بر آن من همیشه تاکید کرده‌ام که سرمایه‌داری یک نظام انقلابی است. هرگز نگفتم که تواناییهای آن به پایان می‌رسد، گرچه قبول دارم که بویایی و جوشش آن در نیمه دوم قرن بیستم بسرا شگفت‌زده کرده است.

نوبتی هم باشد حالا نوبت من است که از آثارم نقل قول بکنم: "بورژوازی برای ادامه حیات باید در وسایل تولید مدام انقلاب کند و در نتیجه در روابط تولید و با آن در روابط اجتماعی جامعه دوران بورژوازی به خاطر درگیر ساختن انقلابی و ثابت تولید، برهم زدن بی‌دری تمام شرایط اجتماعی، ایجاد تردید و تلاطم‌های اجتماعی، ازهر دوران دیگر قبل از خود متمایز است. اینها را من در سال ۱۸۴۸ نوشتم یعنی قبل از آنکه کارم را درباره کتاب سرمایه شروع کنم. فکر هم نمی‌کنم که توضیحات چندان بدی از آنچه که در این ده سال اخیر می‌گذرد داده باشم."

س - بله، ولی باید در نظر داشته باشید رفرم‌هایی که در اروپای غربی انجام شده‌اند خیلی فراتر از رویاهای شما است. در سالهای آخر زندگی‌تان مسلماً شما ارزش رفرم‌هایی را که به تدریج انجام شده‌اند شناخته‌اید، در حقیقت به آنها به عنوان امیدهای آن دوران اشاره کرده‌اید، اما با این اعتقاد که بالاخره در لحظه مشخصی یک گشایش انقلابی هم خواهد بود. حالا اگر به گذشته نگاه کنید در دلتان علاقه‌ای نسبت به یکی از پیروانانی یعنی ادوارد برنشتاین تجدید نظرطلب حس نمی‌کنید که یکی از سخنگویان راه گام به گام شد و متوجه گردید که خود این روند رفرمیستی خیلی مهم‌تر از هدف نهایی یعنی انقلاب است.

مارکس در جواب تردید نشان می‌دهد، دستی به ریش خود می‌کشد و بعد می‌گوید: "به گذشته که نگاه می‌کنم فکر می‌کنم که تا زمان شکست انقلابها در اروپای غربی در اوایل سالهای بیست حق با من بوده است. آن سالها نشانه‌ای از پایان امکانات انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بوده‌اند. در آن موقع بهترین چاره، اتخاذ راه رفرمیستی بود. احزاب انترناسیونال دوم مثل حزب سوسیال‌دموکرات آلمان، احتمالاً الگوی درازمدتی را ارائه دادند."

س - بنابراین شما وارث خودتان را بیشتر اتحاد جماهیر شوروی می‌دانید یا مثلاً سوئد؟

مارکس: "هر دو جزو ارثیه من هستند. اما حالا معلوم شده است که اولی راه خودش را رفت و شکست خورد. در حالی که سوسیال‌دموکراسی هنوز هم دورنماهای تاریخی زیادی را دارد."

س - به طور اختصار، مارکسیسم در آخر هزاره در چه نقطه‌ای قرار می‌گیرد؟

مارکس: "واضح بگویم. من هیچ وقت اضمایم را زیر مارکسیسم نگذاشته‌ام و تاییدش نکرده‌ام. پادتان می‌آید که گفته بودم: "آنچه را که می‌دانم این است که من مارکسیست نیستم". اما حالا انکار نمی‌کنم که یک سنت مارکسیستی وجود دارد. به نظر من سال ۱۹۸۹ از این جهت اهمیت دارد که بند ناف بین مارکسیسم و سال ۱۹۱۷ را پاره کرد. مارکسیسم بالاخره کثرت‌گرا (پلورالیست) می‌شود و به مارکسیسم‌های زیادی تبدیل می‌شود."

نگاهم را بالا بردم، اما او رفته بود. چشم‌هایم را به هم مالیدم. آیا یک رویا بود یا یکی از آخرین مصاحبه‌های منصرم به فرد؟

ترجمه از:

Ha Stampa, Societ  e Cultura

۱۶ مارس ۱۹۹۰

طرح اقتصادی مشترک

گار باچوف و یلتسین

بقیه از صفحه آخر

تلاش خود را بکار گیرند تا بازار تحت تاثیر منافع اهالی زحمکش قرار گیرد. آن‌ها نباید تحت تاثیر مجریان اقتصاد سایه قرار گیرند.

پالاسکوف با اشاره ضمنی به یلتسین گفت که در فضای بفرنج یک نظام چند حزبی، توده کار باید بیاموزد که میان افغانگران و کسانی که واقعا از منافع آن دفاع می‌کنند، تمایز قائل شود.

نیروهای محاذه کار اتحاد شوروی، اولین انتقاد آشکار از طرح مشترک گارباچوف-یلتسین را صورت دادند. ایوان پالاسکوف، دبیر اول حزب کمونیست روسیه در مصاحبه‌ای با پراوا داگفت که طرح گذاری که از جانب گارباچوف و یلتسین ارائه شده است، در خدمت اقتصاد سایه می‌باشد. او گفت کمونیست‌ها باید تمامی



تر-پتروسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان: ما ارزش مستقل خود را تشکیل می‌دهیم.

و نیز جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان بودند. طلیق سخنان تر-پتروسیان خواست ارمنی‌ها، استقلال و حاکمیت ملی در چارچوب اتحاد شوروی و امکان برقراری روابط داوطبانه با سایر جماهیر شوروی است.

تر-پتروسیان گفت که ارمنی‌ها معتقدند براساس قرارداد اتحاد جدید، دولت مرکزی باید ابراز هماهنگی جمهوری‌های جداگانه شوروی باشد. "نه کمترین بیشتر". هرگاه تمامی جمهوری‌ها بتوانند قانو اساسی و سیستم قانونگذاری مستقل خود را داشته باشند، تمامی آن‌ها اتحاد را خواهند پذیرفت.

ارمنستان در راه اعلام استقلال

این جمهوری طرح اعلام استقلال را تهیه می‌بیند، که از قرار معلوم در روزهای آتی اعلام خواهد شد. براساس این طرح، یک ارتش ملی ارمنی تشکیل خواهد شد. همده ترین گروه‌های مسلح ارمنی اعلام کرده اند تنها در صورتی خود را تسلیم پارلمان ارمنستان خواهند کرد که این امر به دفاع از ارمنستان یاری‌رساند.

تر-پتروسیان آرزوی ارمنی‌ها مبنی بر برقراری روابطی نو با کشورهای هم‌مرز را ابراز داشت. منظور او از کشورهای هم‌مرز، ایران و ترکیه

هفته گذشته اولتیماتوم میخائیل گارباچف به دارندگان سلاح‌های غیر مجاز خاتمه یافت. ارمنستان از مناطقی است که بیشترین تعداد دارندگان سلاح غیر مجاز را شامل می‌شود. تر-پتروسیان رئیس‌جمهور جدیداً برگزیده شده ارمنستان طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران گفت که باید در اجرای این امر به او وقت کافی داده شود. او گفت مسکو باید قبول کند که قوای ویژه شوروی به ارمنستان حمله نخواهند کرد. از آغاز هفته گذشته پارلمان

گزارش عفوبین الملل درباره حقوق بشر در عراق

برای آنکه صدام حسین و رژیمش را بهتر بشناسیم، بخش مربوط به عراق را از گزارش سالانه عفوبین الملل که اخیراً منتشر شد، برگزیده‌ایم. این گزارش در مورد سال ۱۹۸۹ است.

گزارش سازمان عفوبین الملل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران را در شماره های گذشته درج کردیم.

عراق (جمهوری)

هزاران زندانی سیاسی، از جمله زندانیان سیاسی که در مبارزه تهر آمیز شرکت نداشته‌اند، بدون کیفر خواست یا محاکمه و یا پس از محاکماتی در زندان مانده‌اند که طبق گزارشهای واصله، بر اصول شناخته شده بین المللی برای یک محاکمه عادلانه منطبق نبوده است. کاربست شکنجه علیه زندانیان سیاسی کماکان رواج گسترده‌ای داشت. بازهم در مورد "ناپدید شدن" انسانها گزارشهای رسید. در همین حال، حکومت هیچ اطلاعاتی در مورد سرنوشت هزاران نفر که طرف سالهای گذشته "ناپدید" شده بودند، ارائه نداد. احتمالاً بسیاری از آنها کشته شده‌اند. طبق گزارشهای رسیده، اعدامهای صورت گرفت. شواهد حاکی است در میان قربانیان این اعدامها، کسانی بوده‌اند که به همو همی حکومت اعتقاد کرده‌اند. در اکثر موارد به هیچ وجه روشن نبود که اعدام شدگان محاکمه شده‌اند یا نه.

در فوریه، حکومت پوزیدنت صدام حسین طرحی را برای یک قانون اساسی جدید و نیز تدوین قوانینی اعلام کرد که اجازه تشکیل احزاب جدید را داده، آزادی مطبوعات را تأمین کند. علاوه بر این، دولت اعلام کرد که امکان برگزاری نخستین انتخابات ریاست جمهوری در عراق در دست بررسی است. در ماه آوریل، انتخابات مجلس شورای ملی و در ماه سپتامبر، انتخابات پارلمان منطقه‌ای منطقه خودمختار کردستان برگزار شد. اما تا پایان سال مورد گزارش، اصلاحات سیاسی اعلام شده اجرا نشده بود. در عوض، کماکان گزارشهای درباره نقض گسترده حقوق بشر می‌رسید.

در ماه فوریه، یک همو همی اعلام شد که شامل شهروندان عراقی متقیم خارج می‌گردید که متهم به ارتکاب جرایم سیاسی بوده یا به علت چنین جرایمی محکوم شده باشند. شرط

هغو، بازگشت این افراد به عراق در فاصله اول تاسی ام آوریل بود. دولت اعلام کرد بر مبنای این هغو همی، همه موارد دیگر علیه این افراد لغو خواهد شد. افرادی که "هوامل رژیم ایران" خوانده می‌شوند، از این هغو مستثنا شدند. در ماه آوریل، شرط هغو تسهیل شد و اعلام گردید شهروندان عراقی اگر تمایل خود را به استفاده از هغو به اطلاع مقامات برسانند، می‌توانند بازگشت. خود را به پس از سی آوریل نیز موکول کنند. طبق گزارشهای رسیده در ماه آوریل، هغو کرد عراق از ترکیه به عراق بازگشتند. آنها به همراه دهها هزار کرد دیگر پس از حملات شیمیایی اوت ۱۹۸۸ نیروهای دولتی در مناطق کردنشین شمال کشور از عراق گریخته بودند (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید) گفته می‌شود که احتمالاً برخی از این کردها به میل خود به عراق باز نگشته‌اند.

چندین نفر که پس از اعلام هغو در سال ۱۹۸۸ به عراق باز گشته بودند، طبق گزارشهای واصله در همان سال یا در آوریل ۱۹۸۹ دستگیر، شکنجه و یا اعدام شدند. برخی از آنها قربانی شیوه "ناپدید کردن" شدند. تأیید آمار دولت مبنی بر بازگشت ۹۲ هزار نفر تاهام مارس به دنبال اعلام هغو، امکان پذیر نبود. هزاران زندانی سیاسی، از جمله احتمالاً زندانیان سیاسی که در مبارزه تهر آمیز شرکت نداشته‌اند، کماکان بدون کیفر خواست یا محاکمه یا پس از محاکمات سریع در زندان ماندند. در میان آنها افرادی هستند که مظنون به عضویت در احزاب منتهوه اند، از جمله در حزب دمکرات مردمی کردستان، حزب دمکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، حزب سوسیالیست کرد عراق، حزب کمونیست عراق و حزب اللهوه اسلامی. همچنین بستگان افرادی از این گروهها، از جمله کودکان، کماکان به عنوان گروگان در ازای افراد تحت تعقیب نگه داشته شدند.

در میان افراد دستگیر شده طی طول سال مورد گزارش، نام محمد الدلگایی، امام جمعه شهر قلع‌دیزه در استان سلیمانیه، دیده می‌شود. اندکی پس از اینکه وی و چند کرد دیگر طی ملاقاتی با مقامات دولتی به طرحهای حکومت برای انتقال اجباری صدها هزار تن از مردم کرد و ویران کردن شهرهای کردستان اعتراض کردند

قرارداد الجزایر

در سال ۱۹۷۵، رژیم عراق تحت فشار شدید از سوی کردهای بارزانی مورد حمایت شاه، به امضای قراردادی در الجزایر تن داد که به معنای عقب نشینی‌های مهمی در اختلاف بر سر مرز ۱۱۷۰ کیلومتری دو کشور بود. در مقابل، شاه حمایت از بارزانی را قطع کرد.

مهمترین نکته قرارداد الجزیره، پذیرش مرزی جدید در قعر رودخانه شط العرب بود. این خط که به خط القصر یا تالوک معروف است، از همیق ترین نقطه بستر رودخانه می‌گذرد. تا پیش از ۱۹۷۵، عراق مدعی حاکمیت بر کل عرض شط العرب بود.

رژیم عراق که تحت فشار به این راه حل تن داد، در نخستین فرصتی که بدست آمد، کوشید این شکست خود را جبران کند. در شهریور ۱۳۵۹، صدام حسین در تلویزیون عراق ظاهر شد و سند ۱۹۷۵ الجزیره را در برابر دوربین پاره کرد. اندکی بعد، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای عراقی به خاک ایران تجاوز و جنگ خلیج فارس را آغاز کردند. صدام حسین، با این تصور که پس از انقلاب، ارتش ایران تضعیف شده و توان مقابله با نیروهای عراقی را ندارد، فاجعه‌ای عظیم را به مردم دو کشور تحمیل کرد.

که در سالهای گذشته به دلایل سیاسی دستگیر شده بودند، مورد شکنجه قرار گرفتند. به عنوان نمونه در ماه مه ۱۹۸۷ در استان سلیمانیه هشت دانش آموز در سنین ۱۳ تا ۱۶ ساله دستگیر شده و طبق گزارشهایی، مورد شکنجه قرار گرفتند. آنها بیش از ۱۵ ماه بدون کیفر خواست یا محاکمه در زندان ماندند که بیشتر این مدت، در ساختمان سازمان امنیت در سلیمانیه بود. گفته می‌شود که آنها را فلک کرده‌اند، با بدن هریان و توسط کابل های فلزی شلاق زده‌اند. با دستبند قیانی آویزان کرده و تن آنها را با سیگار سوزانده‌اند. در اوت ۱۹۸۸، این دانش آموزان به اتهام فعالیت ضد دولتی در دادگاه انقلاب محاکمه شدند. آنها تبرئه و در سپتامبر ۱۹۸۸ از زندان آزاد شدند. طبق گزارشهای تأیید نشده، چهار تن از آنها در آوریل ۱۹۸۹ بار دیگر بازداشت شده‌اند.

همچنین گزارش رسیده است که یک عضو نیروی پیشه‌رگ حزب سوسیالیست کرد عراق مورد شکنجه قرار گرفته است. او از هغو همی ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸ استفاده کرده، خود را در ماه فوریه به مقامات معرفی کرد و دستگیر شد. وی پس از آزادی اظهار داشت که ۳۷ روز بدون کیفر خواست یا محاکمه در بازداشت مانده است. نخست در ساختمان ضد اطلاعات ارتش در بغداد، و سپس در زندان شماره یک در محله حرثیه بغداد. او به همراه ۲۲ زندانی دیگر در یک سلول ۱۲ متر مربعی به سر برده است. نگهبانان، آنها را بارها کتک زده‌اند. یک زندانی را که بر اثر ضربات دچار شکستگی مچ دست شده بود، از هرگونه کمک پزشکی محروم کرده‌اند.

در سال مورد گزارش نیز اخباری از "ناپدید شدن" افراد رسیده. علاوه بر این سرنوشت هزاران نفر زندانی "ناپدید شده" در سالهای گذشته، نامعلوم ماند. از جمله ۱۷۸ عضو خانواده‌های شیعه و حدود ۸۵۰ عضو خانواده کرد بارزانی (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید). در ماه اکتبر، هغو بین الملل اطلاعاتی دریافت داشت که طبق آن ۳۵۳ کرد که در اوت ۱۹۸۸ دستگیر شدند، "ناپدید" شده‌اند. آنها پس از حملات شیمیایی نیروهای عراقی به عادییه در استان دهوک بازداشت شده بودند و ۳۳ عضو نیروی پیشه‌رگ حزب دمکرات کردستان را نیز شامل می‌شدند. سایرین، افراد غیر نظامی، از جمله دهقان بودند. همچنین

شط العرب از به هم پیوستن دجله و فرات تشکیل می‌شود و طول آن، از محل تلاقی دو رود مزبور تا مصب آن، ساحل خلیج فارس، ۱۹۲ کیلومتر طول دارد. از سال ۱۵۵۵ میلادی بدین سو، شط العرب موضوع ۲۰ قرارداد و ۲۵ جنگ بوده است. پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه، تا قبل از قرارداد ۱۹۷۵، مورد استناد عراق در طرح ادعاهای مورد شط العرب بود. در این پروتکل، بریتانیا و روسیه تزاری کل عرض رودخانه را به امپراتوری عثمانی و ساحل شرقی آن را به ایران دادند. در آن زمان، عراق بخشی از امپراتوری عثمانی بود. پس از تشکیل دولت عراق، شط العرب تنها راه دسترسی عراق به آبهای بین المللی را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۴۸، رژیم شاه قایق های نیروی دریایی را تا میانه عرض رودخانه گسیل داشت و از این طریق بر ادعای ایران مبنی بر حاکمیت بر نیی از عرض شط العرب تأکید ورزید. کشمکش میان ایران و عراق در سال ۱۳۵۴ با امضای قرارداد الجزیره موقتاً فیصله یافت.

اینک که صدام حسین کویت را اشغال کرده است، وابستگی عراق به شط العرب کاهش می‌یابد. علاوه بر این، عراق در سالهای گذشته تنگه خور عبدالله و بنادر ام القصر و زیر را برای کشتی رانی آماده کرده است. اما هنوز معلوم نیست که اعلامیه هفته گذشته صدام حسین، آخرین حرف عراق در مورد شط العرب باشد، به ویژه آنکه این موضع جدید، بر بستری از انزو و ضعف کنونی رژیم عراق اتخاذ شده است.

۵۲ کودک در سنین ۱۱ تا ۱۷ ساله در میان "ناپدید شدگان" هستند. آنها رانختست در قلعه دهوک نگهداری می‌کردند. از اوایل سپتامبر ۱۹۸۸ خبری از آنها نرسیده است.

۳۳ نفر آسوری نیز که در اواخر ۱۹۸۸ در چارچوب همو همی از ترکیه و ایران به عراق بازگشتند طبق گزارشهایی "ناپدید" شده‌اند. در میان آنها، کل اعضای چند خانواده از استان دهوک وجود دارند. همچنین طبق گزارشهایی چندین کرد از شهرک بهارک در خارج از شهر اربیل که همراه حدود ۲ هزار کرد دیگر پس از هغو همی ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ از ترکیه به عراق بازگشته بودند، پس از بازداشت "ناپدید" شدند. در میان آنها این افراد که متهم به عضویت در حزب دمکرات مردمی کردستان اند، دیده می‌شوند: ارجان مری حسن، مری مری حسن و خالد خدیجه.

اخبار رسیده حاکی از وقوع صدقا اعدام است. در اکثر موارد کسب اطلاع در مورد اینکه قبل از این اعدامها، محاکماتی صورت گرفته است یا نه، دشوار بود. طبق گزارشهایی که در مارس ۱۹۸۹ رسید، در ژوئیه ۱۹۸۸ در شهر العماره حداقل یازده فراری از جبهه‌ها اعدام شدند. ۸۳ تن دیگر نیز به همین جرم در دسامبر ۱۹۸۸ اعدام شدند. گزارش رسیده که در ژانویه ۱۹۸۹، چهارده نفر از ارتش و حزب بعث که در ماه قبل از آن به اتهام توطئه برای سرنگونی دولت دستگیر شده بودند، اعدام شدند. قربانیان، از جمله عبارت بودند از سرتیپ هلال الدین حسین و سرتیپ عبدالقنی شاهین و نیز ژنرال طالب علی السعدون. طبق گزارشهایی، چهار نفر دیگر از گروهی که در دسامبر ۱۹۸۸ بازداشت شدند، در ژوئیه در بغداد اعدام شدند. از جمله سرتیپ عبدالقادر الشلاوی و سرگرد سمیر سعدالله.

طبق اطلاعات رسیده در ماه فوریه، چهار عضو یک خانواده اهل روستای هین کهوه در استان اربیل در فاصله اوایل سپتامبر و اواسط اکتبر ۱۹۸۸ کشته شده‌اند. نام این قربانیان عبارت است از: پلوس هزیشیا و مسکاوردینا و دو دختر آنها به نامهای حمامو صبیحه. آنها پس از اعدام یک عضو دیگر خانواده، در مخفی گاه بسر می‌بردند اما طبق گزارشهایی پس از اعلام هغو در ۶ سپتامبر ۱۹۸۸ خود را به مقامات معرفی کردند. گفته می‌شود که آنها را سربریده‌اند. جنازه‌های آنها که بر آن آثار شکنجه دیده می‌شد، در اکتبر ۱۹۸۸ در جاده میان اربیل و موصل یافته شد. هفت کرد که پس از اعلام هغو خود را معرفی کرده بودند، در ماه آوریل در پایگاه دپس واقع در نزدیکی کرکوک اعدام شدند.

در ماه ژانویه، دولت اعدام دو پزشک به اسمای اسماعیل حسن التاتار و هشام ماهر السلیمان را که در سال ۱۹۸۸ صورت گرفته بود، تأیید کرد. مقامات اعلام کردند که این دو نفر بر مبنای بند ۲۰ ماده ۳۹۳ قانون کیفری به اعدام محکوم شده‌اند. زیرا "هنگام خدمت در در مانگاه به بیماران زن تجاوز کرده‌اند." شواهد حاکی است که دستگیری این دو پزشک پس از اظهارات آنها در محفل خصوصی علیه پوزیدنت صدام حسین صورت گرفت. گفته‌های آنها را روی نوار ضبط کرده بودند. سازمان هغو بین الملل در سیال مورد گزارش کماکان مقامات

عراقی را فراخواند که از اجرای احکام اعدام صرف نظر کنند، و اتهاماتی دایر بر شکنجه قربانیان پیش از اعدام، منتشر کرد.

علاوه بر این، هغو بین الملل به کشتارهای بانگیزه سیاسی در سالهای گذشته که تعدادی نوجوان نیز قربانی آن شده‌اند، اعتراض کرد. در ماه فوریه، هغو بین الملل فراخوانی به دولت عراق منتشر کرد که در آن خواسته شده است که از اعمال خشونت بانگیزه سیاسی علیه کودکان و نوجوانان پایان داده شود. همچنین در ماه فوریه، هغو بین الملل اسامی ۳۹۶ نوجوان هرب و کرد را منتشر کرد که از سال ۱۹۸۰ بدین سو، بدون محاکمه یا پس از محاکمات سریع، زندانی، شکنجه یا اعدام شده یا قربانی اعدامهای غیر قانونی گشته‌اند. سازمان هغو بین الملل در گزارش خود تحت عنوان "کودکان، قربانیان بیگناه سرکوب سیاسی"، به سرنوشت ۲۱ نوجوان عراقی اشاره کرد که در هنگام اعدام بین ۱۴ تا ۱۷ سال سن داشته‌اند، و از ۳۵۱ نوجوان دیگر که در زندان "ناپدید" شده‌اند، نام برد. در ماه مارس، دولت عراق این اتهامات را رد کرد. حکومت عراق حتی اعدام ربوار محمد کریم هزیز ۱۶ ساله در سال ۱۹۸۷ را که قلاً آن را تأیید کرده بود (مراجعه به گزارش ۱۹۸۹ مراجعه کنید) تکذیب کرد. همچنین دولت در ماه مارس گزارشهایی را تکذیب کرد که به موجب آن، حدود ۲۵۰ نفر از ارتش و حزب بعث در سال ۱۹۸۸ دستگیر و چهارده تن از آنها در ژانویه اعدام شده‌اند.

در ماههای سپتامبر و نوامبر، هغو بین الملل طی فراخوانی خواستار صدور اجازه ملاقات فرزند بازافت و دافنه پریش با یک دیپلمات و یک وکیل و تأمین مصونیت آنها از شکنجه شد. سازمان هغو بین الملل خواهان آزادی همه زندانیانی گردید که علیه آنها کیفر خواست تنظیم نشده و مورد محاکمه قرار نگرفته‌اند. تا پایان سال، هغو بین الملل پاسخی دریافت نکرد.

سازمان هغو بین الملل طی یک موضعگیری شفاهی نزد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، توجه این نهاد را به ادامه نقض حقوق بشر در عراق، از جمله قتل عمد، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی و افراد در سنین صفر، جلب کرد. یک نماینده دولت عراق اظهار داشت که هغو بین الملل "با طرح قبلی می‌کوشد افکار همو همی جهان را علیه عراق مشوب سازد." سازمان هغو بین الملل در ماه مارس "از تصمیم کمیسیون حقوق بشر مبنی بر خودداری از اتخاذ تدابیری علیه نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر در عراق" ابراز نگرانی کرد.

سازمان هغو بین الملل در یک موضعگیری شفاهی در برابر کمیسیون فرعی سازمان ملل برای جلوگیری از تبعیض و برای دفاع از اقلیتها، به ادامه بازداشت ملا محمد الدلگایی و نیز اعدام مخالفان سیاسی کرد که با اعتماد به هغو همی دولت، خود اشاره کرد. یک نماینده دولت عراق در پاسخ گفت ملا محمد الدلگایی آزاد شده است. وی همچنین منکر اعدام افرادی شد که از هغو استفاده کرده بودند. آزادی ملا محمد الدلگایی که چند روز پیش از موضعگیری نماینده دولت عراق صورت گرفته بود، بعداً تأیید شد.



پارلمان ترکیه نمایندگان هنگام بحث پیرامون وضعیت بحرانی حاصل از اقدامات عراق در خلیج، بایکدیگر دست به گریبان شده اند.

کدام حمله احتمالی عراق به همسایه شمالی خود حکایت دارند. طبق برخی گزارشات، عراق اقدام به استقرار قوا در طول مرز ۴۴۰ کیلومتری خود با ترکیه نموده است. این اقدام در حالی صورت می گیرد که روز دوشنبه عراق احتمال حمله به ترکیه را منتفی دانست. وزیر اطلاعات عراق اعلام داشت که این بخشی از یک توطئه بین المللی علیه عراق است. وی افزود اختلافاتی را که در زمینه روابط اقتصادی میان دو کشور بروز می نمایند، می شود بطرق دیپلماتیک از میان برداشت.

اختیارات فوق العاده برای دولت ترکیه

دیکتاتور رفتار می کند. ییلدیریم آکولوت، نخست وزیر ترکیه گفت که ترکیه قصد حمله به هیچ کشوری را ندارد و پیشنهاد این قرار برای تسریع در اتخاذ تصمیم دفاعی در صورت وقوع حمله خارجی است.

در حال حاضر نیروی هوایی ترکیه در حالت آمادگی به سر می برد. اعلام این حالت همگام عملی است در مقابل اخباری

پارلمان ترکیه حق اعلام جنگ و اعلان نبرو در صورت تهدید خارجی را به دولت آن کشور واگذار کرد. از ۳۷۳ عضو حاضر پارلمان، ۲۱۶ تن به تفویض این اختیار رای دادند. اردال اینونو رهبر حزب اپوزیسیون سوسیال دمکراتیک خلق که در شمار ۱۵۱ نماینده مخالف قرار داشت، در پارلمان خطاب به تورگوت اوزال رئیس جمهور این کشور گفت که "مانند یک

در نتیجه آن ناگزیر به اتخاذ تصمیم برکناری وی شده است. وی معتقد است که برکناریش درستاد فرماندهی سرویس های مخفی نظامی تدارک دیده شده و به فلام اسحاق خان گفته شده است که در صورت عدم اجرای این تصمیم از جانب وی، ارتش را سا وادهمل خواهد شد. خانم بوتو گفت که این خطر، دولت موقت نعلی را نیز تهدید می کند.

گزارش ها حاکی از آن است که دولت موقت پاکستان در صدد تشکیل دادگاه های ویژه برای محاکمه مقامات دولت سابق و اعضای خانواده بی نظیر بوتو می باشد. جاتوئی طی بیانیه ای اعلام کرد که رسیدگی به پرونده اعمال دولت سابق کاملاً عادلانه و بری از انتقامجویی خواهد بود. بی نظیر بوتو اولین زنی بود که در یک کشور مسلمان نشین به مقام نخست وزیر رسید. وی

روز دوشنبه ۱۵ مرداد (۱۶ اوت) فلام اسحاق خان، رئیس جمهور پاکستان، خانم بی نظیر بوتو را از پست نخست وزیر این کشور برکنار کرد و فلام مصطفی جاتوئی را موقتاً بدین سمت منصوب نمود. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی که در محل کاخ ریاست جمهوری تشکیل یافت، اعلام کرد که با استفاده از اختیاراتی که مطابق قانون اساسی کشور دارد، پارلمان

تحولات غیرمنتظره در پاکستان

در سال ۱۹۸۸ به این مقام دست یافت. با پیروزی حزب وی (حزب مردم پاکستان) در انتخابات دسامبر آن سال، نقطه پایانی بر عمر ۱۱ ساله حکومت نظامیان در پاکستان گذارده شد.

خانم بوتو تصمیم فلام اسحاق خان را غیرقانونی و مغایر قانون اساسی نامید. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت



این کشور را نیز منحل می نماید. به گفته وی انتخابات برای تشکیل پارلمان جدید روز ۲۴ اکتبر سال جاری برگزار خواهد شد. رئیس جمهور پاکستان هلل برکناری خانم بوتو را چنین برشمرد: بهره برداری از مقام دولتی، شکست دولت در کنترل اوضاع امنیتی سند، مداخله در امور داخلی استان ها، تضعیف روحیه کارمندان بلند پایه شافل در حکومت های ایالتی، امتناع از تفویض اختیارات لازم به استان ها، سوءاستفاده در اعطای وام های بانکی و...

در پی این اظهارات فلام اسحاق خان برقراری وضعیت فوق العاده در کشور را اعلام کرد. در بیانیه ای که در این رابطه از سوی وی منتشر شده، آمده است که اوضاع پاکستان حساس است و امنیت پاکستان در معرض تهدید تهاجم خارجی و ناآرامی های داخلی، که از کنترل دولتهای ایالتی خارج است، قرار دارد.

به گزارش خبرگزاری ها پس از اعلام برکناری خانم بوتو، ارتش پاکستان مراکز حساس پایتخت را از جمله تلویزیون، مراکز تلفن، نخست وزیری و مجلس ملی این کشور را به محاصره خود درآورد. ژنرال میرزا اسلم بیگ رئیس ستاد ارتش پاکستان اعلام داشت که "ارتش هیچگاه در سیاست دخالت نکرده و نخواهد کرد." و این اقدامات تنها برای اطمینان از انتقال منظم قوا به مقامات غیر نظامی صورت می پذیرد.

از پاکستان گزارش می رسد که کمیسیون هائی جهت بررسی مدارک دبیرخانه نخست وزیری و نیز مجلس ملی این کشور تشکیل گردیده اند. هدف این کمیسیون ها تعیین موارد خیانت و تهیه آمار آن ها می باشد. علاوه دستور اخراج ۱۳۸ مسئول ارشد و ۲۶ هزار کارمندی که طی زمامداری خانم بوتو استخدام شده بودند، صادر گردیده است.

از اخبار شوروی

* بیش از صد هزار نفر از تاتارهای کریمه بصورت غیرقانونی به موطن اصلی خود بازگشته اند. طی سال های جنگ جهانی دوم، استالین تمامی این ملت را به اتهام جاسوسی برای نازی ها و همکاری با آن ها، از کریمه به آسیای میانه تبعید نمود. در همین اواخر شورای عالی اتحاد شوروی رسماً از تاتارها اعاده حیثیت به هم آورده.

* صدما تن از اهالی روس جمهوری خودمختار تووا وادار به ترک خانه و کاشانه خود و مهاجرت به دیگر نقاط شده اند. این اقدام در پی حملات متوالی و متعددی صورت گرفته است که از جانب ساکنان تووایی این جمهوری نسبت به روس ها رخ می داد. جمهوری خودمختار تووا جزو جمهوری فدراتیو روسیه است و در مرز میان شوروی و مغولستان واقع می باشد.

* شورای عالی پارلمان جمهوری روسیه فروش مواد معدنی استراتژیک به دولت مرکزی شوروی را ممنوع اعلام کرد. در این زمینه، نفت، گاز، اوران، الماس و طلا و فلزات مشابه می گنجند. بیش از ۸۰ درصد منابع زیرزمینی و تولید انرژی شوروی در روسیه قرار دارند.

* از اول ژانویه سال ۱۹۹۱ بجای ورودیه مترو مسکو به دو تا سه برابر افزایش خواهد یافت. این بها، پس از افزایش نیز مبلغ ناچیزی را شامل خواهد شد، لیکن اهمیت این افزایش در آن است که دهه های طولانی ثابت ماندن کرایه های وسائل نقلیه عمومی از نشانه های عدم وجود تورم در اتحاد شوروی بوده است.

گزارش

عقوبین الملل

در باره حقوق بشر

در عراق

در صفحه ۹

* از این پس اتباع شوروی می توانند موسسات شخصی بنیان گذارند. تعداد شافلین این موسسات نباید بیش از ۲۰۰ تن باشد. این تصمیم، بخشی از طرحی است که مطابق آن طی ۵ سال آتی در اتحاد شوروی اقتصاد بازار تحقق خواهد یافت.

طرح اقتصادی مشترک گارباچوف و یلتسین

نماینده شورای عالی جمهوری روسیه به این شورا پیشنهاد شده بود.

در ماه مه گذشته، طرحی که از جانب دولت شوروی "برای گذار به بازار کنترل شده" تهیه شده بود، در شورای عالی اتحاد شوروی رد شد. از آن پس گروهی تحت رهبری آیل آگابکیان، عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی، بر روی تنظیم جدید "طرح ریشکوف" کار می کند. طبق خبری که از جانب یوگنی پریماکوف، عضو شورای ریاست جمهوری منتشر شد، اسناد تهیه شده از جانب این گروه و اسناد گروهی که توسط گارباچوف و یلتسین تشکیل گردیده اند و اکثری به رفورمیست های رادیکال تعلق دارند، ترکیب خواهند شد. پریماکوف به خبرنگار ایژوستیا گفت که تمهیدکنندگان "طرح ۵۰۰ روزه" آماده کار مشترک با دولت شوروی هستند. در این رابطه ایوارس گودمانیس، نخست وزیر لتونی اعلام کرده است که کمک های اقتصادی قرب باید پس از برقراری نظام اقتصاد بازار در شوروی پذیرفته شود. وی وضعیت کنونی اقتصاد شوروی را به بشکهای بدون کف تشبیه کرد.

رهبری اتحاد شوروی رسماً اعلام کرد که این کشور تحت رهبری مشترک میخائیل گارباچوف، رئیس جمهور کشور و باریس یلتسین، صدر شورای عالی جمهوری روسیه، گذار به اقتصاد آزاد را پیش خواهد برد. این اولین اعلام رسمی این موضوع است که گارباچوف دیگر مخالف گذار رادیکال به اقتصاد بازار نیست. رهبران سیاسی شوروی ضرورت هدایت گذار به اقتصاد بازار را برای پشت سر گذاردن بحران اقتصادی کشور اعلام کردند. در سخنانی که روز ۴ اوت به نقل از گارباچوف در روزنامه های مرکزی شوروی انتشار یافت، آمده است که اقتصاد بازار بعنوان یکی از اصول پایه ای قرارداد اتحاد که در دست تهیه است، مورد بررسی می باشد. پس از بیانات گارباچوف و یلتسین، نیکولای ریشکوف و ایوان سیلایف بعنوان روسای دولت شوروی و روسیه، اعلام داشتند که این طرح از طرف گروهی از متخصصین برای گذار به اقتصاد بازار تا روز اول سپتامبر سال جاری ارائه می شود. پایه های این طرح، که ادامه خصوصی کردن اقتصاد شوروی در هر ۵۰۰ روز را پیش بینی می کند، توسط بوتشاروف،



۴۵ سال از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی توسط بمب افکن های آمریکایی گذشت. سال های طولانی گذشت، اما اندوه همواره در قلب ها باقی است.

AKSARIYAT NO. 315 MONDAY 20. Aug. 1990	اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور
آدرس: RUZDEM POSTFACH 1810 5100AACHEN W.GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse Köln W.GERMANY